



مجلس شورای اسلامی

همسر دوست داشتنی

دکتر مهدی خدایان آرانی

خُدّامیان آرانی، مهدی

همسر دوست داشتنی / مهدی خُدّامیان آرانی. - قم: وثوق، ۱۳۸۹.

۱۹۲ ص. - (اندیشه سبز / ۱)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا:

کتابنامه: ص.

۱.

۳.

همسر دوست داشتنی

مهدی خُدّامیان آرانی

ناشر: انتشارات وثوق

نوبت چاپ: چاپ پنجم، ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۵۰۰ تومان

شابک: ۳-۶۰-۲۹۵۴-۹۶۴-۹۷۸

آدرس انتشارات: قم؛ خیابان صفائیه، کوچه ۲۸ (بیگدلی)، پلاک ۱۴۳

تلفکس: ۰۹۱۲۲۵۲۵۸۳۹، همراه:

مراکز پخش:

□ تهران: انقلاب، مقابل دانشگاه، خ ۱۲ فروردین، کوچه بهشت آیین، پلاک ۹: انتشارات هاتف: ۶۶۴۱۵۴۲۰

□ مشهد: چهارراه شهدا، آزادی ۲، مجتمع گنجینه کتاب، پلاک ۲۰۶، انتشارات عصر ظهور: ۲۲۴۴۱۴۴

□ تبریز: اول خیابان طالقان، جنب مصلی امام، کتابسرای دریا: ۵۵۳۱۳۶۳

□ کاشان: چهارراه آیه الله کاشانی، روبروی جهاد، خانه کتاب کاشان: ۴۴۶۳۳۱۳

□ کاشان: بازار، کتاب فروشی یزدان خواه: ۴۴۵۴۸۵۹

□ قم: خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه همکف، کتابکده دانشگاهی: ۷۷۴۴۶۹۷

□ قم: خیابان صفائیه، کوچه ۲۸، شعبه ۲، انتشارات وثوق: ۰۹۱۲۲۵۲۲۳۷۷

فهرست

- مقدمه..... ۵
- فصل اول: بهترین مرد دنیا..... ۷
- من دیگر «خسته نباشید» نمی گویم!..... ۹
- آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند؟..... ۱۲
- خدایا، خیر دنیا و آخرت را به من بده!..... ۱۵
- همسر عزیزم، دوستت دارم!..... ۱۷
- آیا تا به حال در مسجد پیامبر اعتکاف کرده‌ای؟..... ۲۰
- هدیه دادن را فراموش نکن!..... ۲۲
- با لبخند می توانی بلا را از خود دور کنی؟..... ۲۴
- چگونه رسول خدا را شاد سازم؟..... ۲۷
- خدایا، مهر همسرم در دلم قرار ده!..... ۲۹
- از کجا بفهمم ایمانم کامل تر شده است؟..... ۳۳
- نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند؟..... ۳۵
- این لیست را بگیر و خرید کن!..... ۳۸
- کاری نکنی که نمازت قبول نشود!..... ۴۱

۴۵	با همسر خود مهربان باشید!
۴۹	نیاز همسرت به سخن گفتن را درک کن!
۵۲	چگونه همسرتان به شما امتیاز می دهد؟
۵۷	وقتی که همسرت احساس ناامیدی می کند
۶۲	چند پیشنهاد برای آقایان
۶۷	فصل دوم: بهترین زن دنیا
۶۹	آیا می خواهی خدا به تو نظر کند؟
۷۲	خانمی که کارگزار خدا بود
۷۴	چرا همه خوبی ها برای مردان است؟
۷۶	آیا می خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی؟
۷۹	آرایش کردن برای شوهر
۸۴	ثواب هزار شهید می خواهی؟
۸۶	بهترین شفیع برای یک خانم
۹۰	خدا همه گناهان تو را بخشید!
۹۲	لیوان آبی که عبادتی بزرگ است!
۹۵	بهترین راه آمرزش گناهان
۹۷	اتاق تنهایی شوهرت را بشناس!
۹۹	سکوت شوهرت را درست معنی کن!
۱۰۱	وقتی شوهرت از تو فاصله می گیرد
۱۰۳	چند پیشنهاد برای خانم ها
۱۰۷	پی نوشت های تحقیقی، حدیثی
۱۱۹	منابع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خداوند در قرآن از زندگی زناشویی، سخن به میان آورده و آن را به عنوان آرامش انسان ها معرفی نموده است.

به راستی که این پیام قرآن باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و ما می توانیم آرامشی را که گمشده نسل امروز است در کانون خانواده پیدا کنیم.

این کتاب تلاش می کند تا جامعه ما را با زیبایی های زندگی زناشویی بیشتر آشنا و از این راه به تقویت کانون خانواده کمک نماید.

امروزه جوانان ما نیاز به کتاب هایی دارند که با قلمی روان، مباحث دقیق را بیان کرده باشد و از استحکام و اعتبار برخوردار باشند.

کتاب حاضر ضمن بهره گرفتن از مباحث روز روانشناسی روابط زناشویی، آموزه های زیبایی را برای شما روایت می کند که در سخنان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام به آن اشاره شده است.

امیدواریم که نشر این کتاب برای افرادی که آرزوی زندگی زیباتری را دارند کمک کند تا بتواند به این آرزوی خود برسند و در کانون خانواده همسری دوست داشتنی برای همسر خود باشند.

در پایان وظیفه خود می‌دانیم از مؤلف گرامی این کتاب، کمال تقدیر و تشکر را بنماییم که با همت والای خود، مجموعه کتاب‌های «اندیشه سبز» را در زمینه «زیباشناسی مکتب شیعه» به رشته تحریر در آورده است تا نسل جوان را با فرهنگ مکتب شیعه بیشتر آشنا سازد.

انتشارت وثوق

مقدمه

آیا شما برای بهتر زندگی کردن، برنامه‌ای دارید؟ آیا می‌دانید چگونه می‌توانید محیط خانه خود را از عشق و صمیمیت پر کنید؟
آیا تا به حال، به این نتیجه رسیده‌اید که همه ما نیازمند آموزش در زمینه زندگی زناشویی هستیم؟

خواهرم!

آیا اتاق تنهایی شوهر خود را می‌شناسید؟ هنگامی که شریک زندگیتان از شما فاصله می‌گیرد به چه فکر می‌کنید؟

آیا خواهان کمال معنوی هستید؟ آیا می‌خواهید خدا به شما نظر مرحمت بکند؟ آیا دوست دارید ثواب هزار شهید را داشته باشید؟

برادرم!

آیا می‌دانید همسر شما چگونه به شما امتیاز می‌دهد؟ آیا می‌دانید که شریک زندگی شما نیاز به سخن گفتن دارد؟ وقتی همسر شما در حالت یأس قرار می‌گیرد چه می‌کنید؟ آیا خیر دنیا و آخرت را می‌خواهید؟

این کتاب را برای همهٔ مردان و زنانی نوشته‌ام که می‌خواهند در زندگی زناشویی خویش شاهد عشق و صمیمیت بیشتری باشند. من تلاش کرده‌ام که با نگاهی نو به آموزه‌های دینی در شناخت بهتر زندگی زناشویی به شما کمکی کرده باشم. این کتاب در دو فصل تنظیم شده است، آقایان با خواندن فصل اوّل، می‌توانند مرد بهتری برای همسرشان باشند و همچنین خانم‌ها با خواندن فصل دوم می‌توانند زن بهتری برای شوهرشان باشند. البته از همهٔ برادران و خواهرانم می‌خواهم که هر دو فصل کتاب را بخوانند زیرا فقط در این صورت است که به علت نوشتن این کتاب پی‌می‌برید. این کتاب را به همسر خوب خود، اهدا می‌کنم زیرا که او برای موفقیت من فداکاری بسیاری نموده است.

مهدی خُدامیان آرانی*

قم، خرداد ماه ۱۳۸۶

فصل اوّل:

بهترین مرد دنیا

* . شمارهٔ همراه ۳۳ ۹۴ ۲۶۱ ۰۹۱۳ و سایت Masabih.com و صندوق پستی: ایران: ۳۱۱ / ۸۷۴۱۵ ، راه

ارتباطی شما با نویسنده می‌باشد. وظیفهٔ خود می‌دانم از خواهرم (طاهره) که در این مسیر مرا یاری نمود، تشکر

من دیگر «خسته نباشید» نمی‌گویم!

صبح شده است و باید هر چه زودتر به محل کار خود بروی.
با خانواده خود خداحافظی می‌کنی و سوار تاکسی می‌شوی.
به راننده سلام می‌کنی و به او می‌گویی: خسته نباشید!
و وقتی که به اداره خود می‌رسی با همکارانت رو برو می‌شوی به آنان
سلام کرده و دست می‌دهی و باز می‌گویی: خسته نباشید!
ما عادت کرده‌ایم به هر کسی که به کاری مشغول است، «خسته نباشید»
می‌گوییم.
این کار پسندیده‌ای است که ما احساسات خوب خود را نسبت به
دیگران به زبان آوریم.
اما من به راننده و همکار و دیگران، «خسته نباشید» نمی‌گویم!
حتماً تعجب می‌کنی!
من به جای «خسته نباشید» چنین می‌گویم: «عبادتت قبول!»
شاید بگویی که چرا داخل تاکسی و اداره را با مسجد و محراب اشتباه
گرفته‌ای؟
آری، حق داری که چنین بگویی!

از آن زمانی که ما عبادت را فقط نماز و روزه دانستیم، از آن زمانی که از دین واقعی دور شدیم، از آن زمانی که عرفان و معنویت را فقط در گوشه خلوت و انزوا جستجو کردیم، دیگر از کمال و سعادت راستین فاصله گرفتیم و از اسلام واقعی دور شدیم.

اگر شما در حال کار کردن هستید من با صدای بلند به شما می‌گویم:

ای رزمنده راه خدا!

ای مجاهد!

تو داری در راه خدا جهاد می‌کنی!

آیا شنیده‌ای که امام صادق علیه السلام فرمود:

هر آن کس که برای مهیا کردن مخارج خانواده خود تلاش کند همانند رزمندگان می‌باشد و خدا همان ثوابی را به او می‌دهد که به رزمندگان می‌دهد.^۱

مگر نمی‌دانی که یک روز جهاد در راه خدا بالاتر از چهل سال عبادت است.^۲

هر روزی که برای خوشبختی همسر و فرزندت به سر کار می‌روی و عرق می‌ریزی، به اندازه چهل سال عبادت به خدا نزدیک شده‌ای.

برادرم!

اگر خداوند بر شما واجب کرده است که برای خرج زن و بچه خود تلاش کنی، باید بدانی که خدا برای این کار تو ثواب بزرگی قرار داده است. آری، خداوند می‌داند که تو با عشق به سعادت خانوادهات تلاش می‌کنی، پس همان ثوابی را که به رزمندگان حقیقی می‌دهد به تو هم عنایت می‌کند.

حالا که این را دانستی از تو خواهشی دارم:

هر وقت که به سوی خانه باز می‌گرددی این نکته را به خود یاد آوری کن

که تو با خدا معامله کرده‌ای و خدا در مقابل یک روز کار کردن، ثواب چهل سال عبادت به شما داده است!

پس حواست جمع باشد مبدا عبادت خود را خراب کنی!

حالا که می‌خواهی وارد خانه شوی مبدا خستگی خود را به رخ زن و بچه‌ات بکشی!

همسرت منتظر توست!

باید با روی گشاده وارد خانه شوی، اکنون از عبادت‌گاه چهل ساله می‌آیی، از مهمانی خدا می‌آیی!

چهل سال، عبادت، روح شما را با صفا کرده است و اکنون به خدا نزدیک‌تر شده‌ای!

آیا باور کرده‌ای که با کوله باری از چهل سال عبادت می‌خواهی وارد خانه شوی؟

حالا می‌خواهم مقداری فکر کنی!

اگر خدای ناکرده سختی کار خود را به رخ همسرت بکشی غیر از اینکه او را آزرده می‌کنی عبادت خود را هم از بین می‌بری!

اکنون نزدیک درب خانه یک لحظه بایست، و لبخندی بر لب‌های خود بنشان!

یار مهربانت، همسر عزیزت چشم به راه توست، او محتاج لبخند توست، این بهترین هدیه تو به اوست.

یک لحظه کتاب را کنار بگذار و نگاهی به اطراف خود بینداز!

جارو برقی به تو چشمک می زند!

از تو می خواهم تا خانه را جارو کنی!

من از تو می خواهم حساب کنی وقتی خانه را جارو می کنی چند قدم بر

می داری!

حتماً می گویی: آقای نویسنده، ما جارو کردن را به خاطر این که دلت

نشکند قبول کردیم، دیگر دست بردار، چه کسی حوصله دارد حساب کند

که برای جارو کردن اتاق چند قدم بر می دارد؟

اما شما نمی دانی که من می خواهم بدانم خداوند به شما ثواب چند حج

و عمره می دهد؟

پیامبر ﷺ فرمود:

هر کس که به خانواده خود خدمت کند به عدد هر قدمی که بر

می دارد، خداوند به او ثواب حج و عمره می دهد.^۴

می بینم که با عشق طواف کعبه، خانه را جارو می کنی!

به راستی ما چه دین کاملی داریم و خودمان خبر نداریم!

افسوس که ما را سرگرم کردند تا نفهمیم پیرو چه دینی و آیینی هستیم!

تو را به خدا، انصاف بده آیا با عمل کردن به همین یک حدیث،

زندگی های ما شیرین تر نمی شود؟

آیا مشتاق هستی خاطره ای از زندگی حضرت علی علیه السلام برای نقل کنم.

مگر همه ما حضرت علی علیه السلام را الگوی خود قرار نداده ایم؟

ولی متأسفانه فقط به گوشه هایی از زندگی آن حضرت توجه کرده ایم و

هرگز به تمام زندگی آن حضرت دقت نکرده ایم.

یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت که به خانه حضرت زهرا علیها السلام

برود و از دختر خود دیداری داشته باشد.

آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند؟

وقتی به مکه برای زیارت خانه خدا می روی مهمان خدا می شوی و چون با لباس احرام بر دور کعبه طواف می کنی قلب خویش را صفا می دهی و پاک پاک می شوی.

آیا می دانی که پیامبر صلی الله علیه و آله ارزش یک سفر عمره را بالاتر از دنیا و هر آنچه در دنیا است می داند و آن را مایه پاک شدن از همه گناهان معرفی می کند.^۳ حتماً می گویی: معلوم نیست چه موقعی خداوند توفیق آن دهد که به مکه سفر کنم.

اما آیا دوست داری تا من کاری را یاد شما بدهم که ثواب حج و عمره داشته باشد.

پیشنهاد من زیاد سخت نیست و داخل خانه خودت می توانی آن را انجام بدهی!

لازم نیست جایی بروی، همین الان می توانی به ثواب حج و عمره برسی!

حتماً مایل شدی بدانی که آن چه کاری است.

برادرم!

وقتی پیامبر وارد خانه شد با چه منظره‌ای روبرو شد؟
او دید که حضرت علی علیه السلام کنار حضرت زهرا علیها السلام نشسته و با هم دارند با آسیاب دستی، گندم آسیاب می‌کنند.^۵
آن زمان که نانوائی وجود نداشت و زنان مدینه با آسیاب دستی گندم را آسیاب می‌کردند و نان می‌پختند و این کار مخصوص زنان خانه‌دار بود.
اما حضرت علی علیه السلام را نگاه کن که چگونه در کارهای خانه، همسر خود را کمک می‌کند!

من و تو هم اگر حضرت علی علیه السلام را الگو قرار داده‌ایم بایستی در کارهای خانه همسر خود را کمک کنیم تا مهر و صمیمیت در خانه ما موج بزند.
آری، حضرت علی علیه السلام این چنین درس محبت و صفا را به شیعیانش می‌آموزد و درود خدا بر مردانی که آیین همسررداری را از امام مهربان خویش فرا گرفتند.

خدایا، خیر دنیا و آخرت را به من بده!

یادت هست که چگونه عشق زیارت امام رضا علیه السلام تو را به مشهد کشاند.
و چون به مشهد رسیدی غسل زیارت نمودی و وضو ساخته و آرام آرام به سوی حرم حرکت کردی.

وارد صحن و سرای با صفای امام رضا علیه السلام شدی و با نهایت ادب و تواضع پیش رفتی تا روبروی ضریح رسیدی و شروع به خواندن زیارتنامه کردی:

السلام علیک یا ولی الله!

شاید به خاطر داری که در این زیارت نامه از خدا چه خواستی.
تو از آنانی نیستی که طوطی وار، دعایی را می‌خوانند و نمی‌فهمند که چه گفتند!

کاش همه ما وقتی دعاها را عربی را می‌خواندیم در معنای آن هم دقت می‌کردیم که چه می‌گوییم و از خدا چه می‌خواهیم.
به هر حال در آن زیارتنامه این چنین گفتی:

بار خدایا، خیر دنیا و آخرت به من کرم بفرما.^۶

این خواسته تو بود که در هنگام زیارت امام رضا علیه السلام از خداوند

طلب کردی.

سفر به پایان می‌رسد و تو به شهر و دیار خود باز می‌گردی!

حالا که این کتاب را می‌خوانی از تو سؤال می‌کنم:

آیا آن دعای تو مستجاب شد؟ نشانه آن چیست؟

شاید بگویی که توفیق اعمال نیک بیشتری پیدا کرده‌ام.

ولی متأسفانه این جواب تو درست نیست.

اگر بگویی که توجه من به نماز و عبادتم بیشتر شده است.

من می‌گویم که این جواب هم صحیح نیست.

می‌گویی که بعد از آن که از مشهد آمدم رسیدگی من به فقرا بیشتر شده است.

ولی این هم جواب صحیح نیست.

آیا می‌خواهی بدانی که نشانه مستجاب شدن آن دعای مهم چیست؟

این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است که وقتی خداوند بخواهد به کسی خیر دنیا و آخرت را بدهد به او توفیق خدمت به خانواده‌اش را می‌دهد.^۷

وقتی که از مشهد بازگشتی اگر در خانه به همسر خود بیشتر کمک

کردی، معلوم است که آن دعای تو در حرم امام رضا علیه السلام مستجاب شده است.

همسر عزیزم، دوستت دارم!

وقتی یک گل‌دان زیبا را خریداری می‌کنی و به خانه می‌آوری، آیا آن گل‌دان را به حال خود رها می‌کنی؟

نه، بلکه هر روز از آن گل‌دان مواظبت می‌کنی و مرتب آن را آب می‌دهی.

زیرا اگر به گل‌دان خود آب ندهی بعد از مدتی پژمرده می‌شود.

پس چرا بهترین گل زندگی خود را فراموش کرده‌ای؟

همسرت را می‌گویم.

یادت هست با چه عشقی به خواستگاری او رفتی!

آری، بهترین لحظه‌ها برای تو لحظه‌ای بود که او قدم به خانه تو گذاشت

و شما زندگی مشترک را با هم شروع کردید.

اما چرا چند روزی است از این گل زندگی خود غافل شده‌ای؟

اگر می‌بینی که زندگیت دیگر آن صفا را ندارد برای این است که خودت

از گل زندگیت غفلت کردی!

آیا می‌خواهی جبران گذشته را بکنی و دوباره زندگیت پر از عشق و

محبت شود؟

من یک دستور ساده برایت دارم.

اگر به من قول بدهی که این دستور را عمل کنی به زودی دوباره قلب تو از عطر عشق و محبت، مدهوش خواهد شد.

البته از شما چه پنهان، که این دستور از من نیست!

این دستور از پیامبر مهربان ماست.

پس گوش فراده!

آن حضرت فرمود:

وقتی مرد به همسر خود بگوید «دوستت دارم»، این سخن هیچ‌گاه از

قلب همسرش بیرون نمی‌رود.^۸

همین الآن کتاب را ببند و این جمله پیامبر را به همسر خود بگو!

یادم نمی‌رود که در مجلسی، از آقایانی که آنجا بودند خواستم که این دستور را انجام دهند.

یک نفر از عقب جمعیت به من رو کرد و گفت:

آقا، این حرف‌ها چیست که برای مردم می‌گویی! تو باید برای ما حدیث بخوانی!

اما وقتی به او گفتم که این سخن رسول خداست، با شرمندگی سرش را پایین انداخت.

بارها پیش آمده است که وقتی این حدیث را برای مردم می‌خوانم می‌بینم که در غمی بزرگ فرو می‌روند.

غم این‌که چرا زودتر این دستور پیامبر ﷺ را نشنیده‌اند؟

آری، سالیان زیادی از زندگی آن‌ها گذشته ولی اکنون با این دستور آشنا می‌شوند.

اجازه می‌دهی من از تو خواهشی بکنم!

من از شما می‌خواهم هر وقت تازه دامادی را دیدی، این حدیث را به او هدیه کنی!

ای کاش ما اسلام را فقط در نماز و روزه خلاصه نمی‌کردیم!

آیا می‌شود آن روزی بیاید که همه ما جمله «همسر! دوستت دارم» را هم به عنوان یک برنامه دینی خود بدانیم.

آیامی دانید که هر زنی نیاز دارد که حداقل روزی سه بار این جمله را بشنود؟

پس هیچ‌گاه این جمله سحرآمیز و جادویی را از همسرت دریغ مکن!

دوستت دارم!

دوستت دارم!

دوستت دارم!

و این را باور کن که هیچ‌گاه همسرت از شنیدن این جمله خسته نمی‌شود.

هر بار که به همسرت از صمیم دل می‌گویی: «دوستت دارم»، قلب او را از عشق لبریز می‌کنی و روحیه او را شاداب می‌سازی.

به راستی که دین و آیین ما چه دین کاملی است؟
 در کدام مکتب می توانی ارزش نشستن پیش همسر را این قدر بالا بیابی!
 در کجا می توانی چنین عزّتی را که اسلام به شما داده است، بیابید!
 در کجای دنیا به زن این همه احترام و ارزش داده شده است که نشستن کنار او، برای شوهرش ثواب اعتکاف داشته باشد!
 و افسوس و صد افسوس که ما چقدر از دین واقعی فاصله گرفته ایم.
 همین سال گذشته، مرد جوانی را دیدم که همسر بیمار خود را در خانه رها کرده بود و به عشق اعتکاف، به مسجد آمده بود.
 من به او گفتم که وظیفه تو در حال حاضر، رسیدگی به همسر بیمار است، اما او که به تازگی به «عرفان» رو کرده بود، می گفت که من باید به خدا برسیم و از غیر او جدا شوم!
 آخر تا به کی جوانان ما باید به خاطر عدم فهم دین به بیراهه بروند؟
 اگر همه مردان جامعه ما به همین یک دستور پیامبر ﷺ عمل می کردند و هر روز، ساعتی در کنار همسر خود می نشستند و سخن دل او را می شنیدند و به احساسات و عواطف او گوش می کردند، آیا ما دیگر در خانواده ها این همه مشکل می داشتیم؟
 آیا دیگر این همه زنان افسرده در جامعه ما یافت می شد؟
 آری، مردی که یاد گرفته است هر روز مقداری از وقت خود را صرف همسرش کند و سخن او را بشنود نه تنها به ثواب بزرگی دست یافته بلکه قلب همسر خویش را برای همیشه تسخیر کرده است.
 آیا می دانید چگونه می توانید درب طلاق را بر روی زندگی خود ببندید؟
 با همین سخن گفتن با یکدیگر!
 اگر همه مردان و زنان جامعه ما، روزی بیست دقیقه با هم سخن می گفتند و به سخنان یکدیگر به دقت گوش می کردند اختلافات آنها حل می شد.

آیا تا به حال در مسجد پیامبر اعتکاف کرده ای؟

چند سالی است که مراسم اعتکاف در جامعه ما رواج پیدا کرده است و در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، گروه گروه مردم به مساجد رفته و معتکف می شوند.
 برای اعتکاف باید سه روز روزه بگیری، و در مسجد بمانی و مشغول عبادت باشی.
 اگر بتوانی در مسجد پیامبر ﷺ در مدینه باشی خیلی خوب است و ثواب بسیار زیادی دارد.
 اما فکر کن، اگر بخواهی در مسجد پیامبر ﷺ معتکف شوی باید صبر کنی تا خدا توفیق سفر به مدینه را به تو بدهد.
 اما آیا می خواهی کاری را یاد شما بدهم که ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر ﷺ را داشته باشد؟
 این کار زحمت زیادی ندارد و همیشه می توانی آن را انجام دهی!
 پیامبر اسلام ﷺ فرمود:
 نشستن مرد نزد همسر خویش، نزد خدا بهتر از اعتکاف در مسجد من است.^۹

«تقدیم به همسر مهربانم، تو بهترین انتخاب زندگیم هستی!».

تو نمی‌دانی که این نوشته‌تو برای همسرت چقدر باارزش است و خدا می‌داند که آنرا چند بار می‌خواند.

سعی کن که حتماً هدیه را با کادویی زیبا، بسته بندی کنی چرا که خانم‌ها هدیه‌ای را که کادو شده باشد خیلی بیشتر دوست دارند.

آیا می‌خواهید نزد همسر تان به عنوان یک مرد استثنایی و فوق العاده جلوه کنید؟

یک هدیه خوب مثل لباس زیبا را برای او بخرید و آن را در بسته‌ای کوچک بپیچید و در جایی از آشپزخانه و یا کمد لباس همسر خود مخفی کنید.

البته یک یادداشت زیبا هم بر روی آن بگذارید.

وقتی که همسر تان این هدیه را پیدا می‌کند شما برایش شوهری فوق العاده جلوه می‌کنید.

دوست خوب من!

یادت باشد اگر سفر رفتی حتماً برای همسرت هدیه خریداری کنی.

این دستور پیامبر ﷺ است:

وقتی یکی از شما به مسافرت رفت موقع بازگشت برای خانواده

خود، هدیه‌ای تهیه کند، حتی اگر آن هدیه، قطعه سنگی باشد.^{۱۱}

آری، وقتی از سفر بر می‌گردد در حالی که هدیه‌ای برای همسرت در دست داری، این پیام را به همسر خود می‌رسانی که من در روزهای دوری از تو، همیشه به فکر تو بودم، من هرگز تو را فراموش نکردم.

و این پیام است که برای همسر تو بسیار باارزش است و به او آرامش می‌دهد.

همیشه تلاش کن تا همسرت در زندگی احساس کند که به یاد او هستی و او را دوست داری و هدیه دادن بهترین راه برای این کار می‌باشد.

هدیه دادن را فراموش نکن!

آیا می‌دانی که همسر شما انتظار دارد تمام عشقی را که به او دارید به وسیله‌ای برای او ثابت کنید؟

آری، شما باید عشق و محبتی را که در قلب خود نسبت به همسر خود دارید هر روز به زبان آورید.

خرید هدیه‌های کوچک و تقدیم کردن آن، می‌تواند همسر شما را بسیار خوشحال کند.

وقتی به همسر خود هدیه می‌دهی او احساس باارزش بودن می‌کند و همین کار باعث می‌شود که میان شما محبت و صمیمیت بیشتری به وجود آید.

رسول خدا ﷺ فرمود:

به یکدیگر هدیه بدهید که موجب محبت می‌شود و کینه را از دل می‌برد.^{۱۰}

تو با هدیه دادن به همسرت می‌توانی محبت او را به سوی خود جذب کنی و در آن موقع زندگی مشترک شما شیرین تر می‌شود.

همین امروز هدیه‌ای برای او خریداری کن و همراه با این یادداشت تقدیم همسرت کن:

من می‌خواهم در این جا صدقه جالبی به شما یاد بدهم!
 آیا می‌دانید که لبخند شما به روی همسر تان، نزد خداوند به عنوان یک
 صدقه، حساب می‌شود؟

تعجب نکن!

آری، لبخند، یک نوع صدقه می‌باشد!

این سخن از رسول خدا ﷺ است که لبخند، صدقه است.^{۱۶}

اکنون تصمیم بگیر که به روی همه دوستان خود لبخند بزنی!

آیا فکر کرده‌ای اگر جامعه ما به همین دستور ساده، عمل می‌کردند ما چه
 جامعه شادابی داشتیم.

اما افسوس که ما بیشتر، جنبه‌های غم را بزرگ نمایی کرده‌ایم!

ما عادت داریم صبح که از خواب بر می‌خیزیم و آماده می‌شویم تا از

خانه بیرون برویم، مقداری پول داخل صندوق صدقه بریزیم!

اما فراموش می‌کنیم که به روی همسر خود لبخند بزنی!

چرا ما صدقه را فقط در پول به صندوق انداختن، خلاصه کرده‌ایم.

ای کاش صدا و سیمای ما، مقداری هم در مورد صدقه لبخند، سخن
 می‌گفت.

چرا ما همه خوبی‌ها را برای غریبه‌ها به کار می‌بریم!

ما برای آن کودک بیچاره که صدها کیلومتر از ما فاصله دارد هدیه

می‌دهیم اما عزیزترین فرد زندگی خود را از یک لبخند هم محروم

می‌کنیم!

آیا می‌دانی وقتی که وارد خانه می‌شوی هیچ چیز برای همسر شما،

دلنشین‌تر از این نیست که با چهره‌ای رو برو شود که گل لبخند به لب

دارد؟

چرا همسر خود را از این نعمت محروم می‌کنی؟

از امروز تصمیم بگیر هر وقت وارد خانه می‌شوی لبخند بزنی و بدان که

این کار تو نزد خدا به عنوان صدقه حساب می‌شود و عمر تو را زیاد می‌کند

با لبخند می‌توانی بلا را از خود دور کنی؟

همه ما عادت کرده‌ایم که برای رفع بلا، صدقه بدهیم.

حتماً این حدیث را شنیده‌ای که صدقه، مرگ ناگهانی را دور می‌سازد.

نزدیک عید که می‌شود تلویزیون تبلیغات زیادی انجام می‌دهد و ما را

تشویق می‌کند تا در جشن نیکوکاری شرکت کنیم و با دادن صدقه، به

کمک خانواده‌های بی بضاعت بشتابیم.

این کار بسیار خوبی است و باعث خوشحالی دل‌های زیادی می‌شود.

اگر کسی به خاطر گناه و معصیت، مورد غضب خدا واقع شده باشد،

می‌تواند با صدقه دادن غضب خدا را خاموش کند.^{۱۲}

آری، صدقه، هفتاد در بلا و گرفتاری را بر روی انسان می‌بندد و مرگ

ناگهانی را از انسان دور می‌کند.^{۱۳}

آیا شنیده‌ای که صدقه، روزی را زیاد می‌کند؟

رسول خدا ﷺ فرمود:

زیاد صدقه بدهید که روزی شما با صدقه دادن، زیاد می‌شود.^{۱۴}

آری، صدقه باعث می‌شود تا برکت زندگی شما زیاد شود.^{۱۵}

برادر محترم!

و باعث می‌شود که برکت زندگی زیاد شود.

آری، صدقه به عنوان بهترین داروی دردها معرفی شده است، دارویی که بیمارها را شفا می‌دهد.^{۱۷}

حال اگر تو دچار افسردگی شده‌ای به جای اینکه این همه، قرص و دارو مصرف کنی و اثری هم نبینی و بدن خودت را با این مواد شیمیایی مسموم کنی، بیا و این دستور را عمل کن.

هر گاه که با همسر خویش روبرو شدی، گل لبخند را به او هدیه کن! آن وقت ببین که زندگی تو چقدر با صفا می‌شود و همه‌آشنایان، حسرتِ صفای زندگی تو را خواهند خورد.

برادرم!

چه شده است که شما وقتی با دوستان خود روبرو می‌شوی به روی آنها لبخند می‌زنی اما چون به خانه می‌آیی فقط خستگی را به خانه می‌آوری؟ بیا با خود عهده ببند!

از امروز به بعد هر وقت خواستی وارد خانه شوی، یک لحظه نزدیکِ درب خانه بایست!

با خود بگو: من به مهمترین بخش زندگی خود وارد می‌شوم!

و گل لبخند را به صورت خود بنشان و وارد خانه شو!

آیا همان قدر که به کار و کاسبی اهمیت می‌دهی به روحیه همسر و خانواده خود اهمیت می‌دهی؟

بنشین فکر کن، خودت را جای همسرت بگذار!

آیا تو دوست داری که وقتی وارد خانه می‌شوی همسرت با اخم با تو برخورد کند؟

پس آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای همسرت نیز نپسند!

چگونه رسول خدا را شاد سازم؟

من یک روز از خدا سؤال کردم:

ای خدای بزرگ!

چه کاری را بیش از همه کارها دوست داری؟

آخر من می‌خواستم آن کار مهم را هر طور شده، انجام دهم.

و در انتظار جواب ماندم.

و بعد از مدتی چشم انتظار می‌انجامد، جواب سؤال من آمد.

شاید بگویی: خوب معلوم است جواب این سؤال، نماز بود، چرا که

نماز ستون دین است و خدا نماز را بیش از همه چیز دوست دارد.

اما جواب من این نبود.

آیا شما می‌دانید من چگونه به جواب خود رسیدم.

به سخنی از پیامبر ﷺ برخورد کردم که فرمود:

بهترین اعمال نزد خدا، خوشحال نمودن یک مسلمان است.^{۱۸}

و به راستی چه مسلمانی بیش از همسر ما شایسته خوشحال نمودن

است؟

وقتی که تو تصمیم می‌گیری تا همسر خود را خوشحال سازی، بدان تو

کاری انجام می‌دهی که خدا خیلی آن را دوست دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

هیچ عبادتی همانند این نیست که قلب مؤمنی را شاد نمایی.^{۱۹}
آیا فراموش کرده‌ای که همسر تو از اهل ایمان است، پس بدان اگر او را خوشحال کنی رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال کرده‌ای!
مگر این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشنیده‌ای که فرمود:
هر کس یک مؤمن را خوشحال کند مرا خوشحال نموده است.^{۲۰}

برادرم!

اکنون برخیز و با این اعتقاد که خوشحال نمودن همسر مؤمنت، باعث خوشحالی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود کاری انجام بده تا او شاد شود.
کاری هر چند کوچک، اما این کار را با عشقی بزرگ انجام بده!
دوست من!
اگر همه زوج‌های جامعه ما این گونه فکر می‌کردند زندگی‌ها، چقدر زیباتر می‌شد!
خیلی دلم می‌خواهد به این سخن امام صادق علیه السلام گوش فرادهی که فرمود:

وقتی که یکی از شما، مؤمنی را خوشحال می‌کند فکر نکند که فقط او را خوشحال کرده است، به خدا قسم ما را هم خوشحال نموده است.^{۲۱}
ای کسی که عشق امام زمان علیه السلام به دل داری؟
آیا می‌خواهی امام زمان علیه السلام را خوشحال کنی!
بهترین راه خوشحالی امام زمان علیه السلام، این است که همسر مؤمن خود را خوشحال کنی! آیا می‌دانی وقتی که تو همسر مؤمن خویش را ناراحت می‌کنی و او را غصه می‌دهی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت می‌کنی!
امام صادق علیه السلام فرمود:

که هر کس مؤمنی را اندوهناک کند، در واقع رسول خدا صلی الله علیه و آله را اندوهناک ساخته است.^{۲۲}

خدایا، مهر همسرم در دلم قرار ده!

یادت می‌آید وقتی مراسم عروسی گرفته بودی، با چه شور و شادی، همسر خویش را به منزل خود آوردی!
همه فامیل جمع شده بودند و چه جشن باشکوهی برگزار کرده بودی!
آن لحظه از بهترین لحظات زندگی شما بود و پیوند مقدس شما مانند پیوند دو ستاره بود.
اما نمی‌دانم آن لحظه دعا هم کردی؟ آیا آداب عروس به خانه آوردن را انجام دادی؟
شاید آن موقع خبر نداشتی که عروس آوردن هم آداب دارد؟
اما اکنون من می‌خواهم این آداب را برایت بگویم.
از عروس خانم می‌خواهی که با وضو وارد خانه شما شود.
و خودت هم قبل از اینکه عروس پا به خانه بگذارد وضو می‌سازی!
و دو رکعت نماز می‌خوانی!
و شکر خدا را به جا می‌آوری و بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات می‌فرستی!
آنگاه عروس وارد خانه تو می‌شود.
اکنون تو دست به دعا بر می‌داری و از همه مهمانان می‌خواهی تا به

دعای تو «آمین» بگویند.

حال تو باید چه دعایی بکنی؟

این دعا خیلی مهم است.

گوش کن!

خدایا، محبت همسر را به قلب من ارزانی کن!

رضایت و خوشحالی او را به من کرم نما!

پیوند ما را پیوندی شایسته قرار بده. ۲۳

این دعایی است که در آن لحظه باید بکنی!

شاید بگویی که آخر چرا در آن موقع دعا کنم؟

مگر نمی دانی که در آن موقع درهای آسمان باز می شود!

امام صادق علیه السلام فرمود:

درهای آسمان در چهار موقع باز می شود:

هنگامی که باران رحمت می بارد، هنگامی که فرزند به صورت پدر و

مادر، نگاه می کند، هنگامی که در کعبه باز می شود، هنگامی که

ازدواجی صورت می گیرد. ۲۴

به هر حال، این دعایی است که تازه داماد باید از خداوند درخواست کند.

من خیلی فکر کردم که چرا اسلام برای لحظه ورود عروس به خانه

شوهر این برنامه دعا را قرار داده است؟

به راستی چند بار در دعاهایت این خواسته را از خداوند طلب کرده ای؟

در کدام آیین، می توانی دعایی به این زیبایی بیابی!

«خدایا عشق به همسر را به من روزی کن!».

اگر همه مردان جامعه ما از صمیم دل، این دعا را می کردند، زندگی ها

چقدر زیبا و شیرین می شد.

من از صدها نفر سؤال کرده ام که آیا تا به حال از خدا خواسته اید که شما

را عاشق همسر تان قرار دهد؟

آنان از حرف من تعجب کرده اند!

آیا فکر کرده ای چرا این دعا را همان لحظه ای که عروس وارد خانه ات

می شود باید بخوانی؟

در روزهای اول زندگی که مشکلی وجود ندارد و همه همسر خود را

دوست دارند!

پس چرا این لحظه باید دعایی این گونه کرد که خدایا، عشق به همسر را

در قلب من قرار ده.

این یک رمز است، یک سمبل است!

لحظه ورود عروس به خانه تو، لحظه آغاز زندگی مشترک است!

لحظه مهم و حساسی است، اینجا باید از خدا کمک بگیری!

از او بخواهی که او محبت به همسرت را در قلبت بریزد و تا پایان عمر،

او را دوست داشته باشی!

راستی چرا امام باقر علیه السلام می فرماید که از همراهان عروس بخواه تا به

دعای داماد «آمین» بگویند؟

شاید ندانی که پدر و مادر عروس، چقدر زحمت کشیده اند، چه

بی خوابی ها کشیده اند تا دختری را تربیت کرده و اکنون در اختیار شما

قرار می دهند.

امام باقر علیه السلام می خواهد تا پدر و مادر عروس، دعای داماد خود را بشنوند

که چگونه از خدا می خواهد که همسر خود را دوست بدارد!

نمی دانم در این دنیا چیزی به اندازه شنیدن این دعا، پدر و مادر یک

دختر را خوشحال می کند؟

قسمت بعدی دعا را هم دقت کن!

«خدایا! کاری کن که همسرم همواره از من راضی باشد.»
و شاید الآن غصه بخوری که من این آداب را نمی دانستم و موقع عروس
آوردن، این دعا را نکردم.
ولی به قول معروف، ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است!
همین الآن برخیز، وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان و از صمیم دل این
دعا را بخوان، که خداوند فرموده است: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را».

از کجا بفهمم ایمانم کامل تر شده است؟

برای همه ما لحظاتی پیش می آید که احساس می کنیم به خدا نزدیک تر
شده ایم و به معنویت گرایش بیشتری پیدا کرده ایم.
مثلاً در ماه رمضان و شب های قدر، دل های ما روشن می شود و نور ایمان
را در وجود خود احساس می کنیم.

به راستی اولین و مهمترین نشانه زیاد شدن ایمان چیست؟
ما از کجا بفهمیم که ایمان ما کامل تر شده است؟
آیا موافقی همین سؤال را از امام صادق علیه السلام بنماییم؟
این پاسخ آن حضرت است:

هر چه ایمان شما بیشتر شود محبت شما به همسرت بیشتر
می شود. ۲۵.

یعنی حواست باشد، اگر تو به سوی خدا میل پیدا کردی و نماز و
عبادتت بیشتر شد، باید ببینی آیا همسر خود را بیشتر از قبل دوست داری
یا نه؟

اگر جواب مثبت بود پس خوشا به حالت! زیرا که در معنویت

رشد کرده‌ای!

اما اگر نماز خواندن تو بیشتر از قبل شد اما اخلاق تو نسبت به همسرت بهتر نشد بلکه نسبت به او بی تفاوت شدی باید بدانی که آن عرفانی که دنبالش رفته‌ای سرابی بیش نیست!

من چقدر افرادی را دیده‌ام که چون در وادی عرفان قدم برداشته‌اند به همسر خود کم‌مهری‌ها نموده‌اند!

آخر الگوی ما چه کسی می‌باشد!

اگر ما واقعاً شیعه امام صادق علیه السلام هستیم پس چرا رفتار ما با سخن آن حضرت، مطابقت ندارد؟

آری، زمانی می‌توانی دم از عشق به خدا بزنی و یقین کنی که در مسیر صحیح عرفان پیش رفته‌ای که محبت و عشقت به همسرت، بیشتر شود. بنازم این مکتب شیعه را چگونه بین عشق به خدا و عشق به همسر رابطه برقرار می‌کند!

و افسوس که ما چقدر از این حقایق غافل مانده‌ایم!

و شاید تعجب کنی که امام صادق علیه السلام در سخن دیگر می‌فرماید:

هر کس که محبت و عشقتش به ما اهل بیت علیهم السلام زیادتر شود، محبتش

به زنان بیشتر می‌شود. ۲۶

مقداری فکر کن، به راستی چه ارتباطی بین عشق به اهل بیت علیهم السلام و عشق به همسر وجود دارد؟

آری، اگر به سفر کربلا می‌روی یا نجف را زیارت می‌کنی و به برکت این سفر، روح و جان با محبت اهل بیت علیهم السلام صفا می‌گیرد باید عشق و محبتت به همسرت بیشتر شود.

نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند؟

چه خبر شده است؟

چرا عرش خدا به لرزه در آمده است؟

چرا این همه فرشته از آسمان به زمین می‌آیند.

فکر می‌کنم تعداد آنها نود هزار فرشته باشد.

آن طرف را نگاه کن! فرشتگان به آن سمت می‌روند.

بیا ما هم آنجا برویم ببینیم چه خبر است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خواهد بر جنازه‌ای نماز بخواند و این فرشتگان برای

خواندن نماز میّت آمده‌اند. ۲۷

«سعد بن معاذ» از دنیا رفته است.

حالا معلوم شد که این همه فرشته به احترام او آمده‌اند.

چرا رسول خدا صلی الله علیه و آله پابره‌نه شده است؟

او می‌خواهد با پای برهنه در این مراسم حضور پیدا کند.

معلوم می‌شود سعد، آدم خیلی خوبی بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله بدون عبا و با

پای برهنه در تشییع جنازه او شرکت می‌کند.

این سعد چه مقامی داشته که عرش خدا در مرگ او به لرزه در آمده است؟^{۲۸}

خوشا به حالت ای سعد!

من تا به حال نشنیده‌ام که رسول خدا ﷺ این طوری احترام جنازه‌ای را بگیرد.

پیامبر گاه سمت راست جنازه را می‌گیرد و گاه به سمت چپ جنازه می‌رود.

بیا علت این کار را از پیامبر ﷺ سؤال کنیم.

آن حضرت چنین جواب می‌دهد:

دست من در دست جبرئیل است، هر کجا که جبرئیل می‌رود، من نیز

همراه او می‌روم!

پیگر سعد را نزدیک قبر می‌برند.

پیامبر ﷺ وارد قبر می‌شود و جنازه سعد را داخل قبر می‌گذارد و سنگ لحد را می‌چیند و قبر سعد را می‌پوشاند.

به راستی چه کسی تا به حال، سعادت داشته است که پیامبر پیکر او را داخل قبر بگذارد؟

آن خانم را نگاه کن که آرام آرام کنار قبر پسرش می‌آید.

او مادر سعد است.

همه کنار می‌روند و او می‌آید و کنار قبر پسرش سعد می‌نشیند.

او با چشم خود دیده است که پیامبر در تشییع جنازه پسرش سنگ تمام گذاشته است و برای همین بی‌اختیار می‌گوید:

پسرم، بهشت گوارایت باد!

اما پیامبر به مادر سعد می‌گوید:

مادر سعد! صبر کن!^{۲۹}

و آنگاه نگاهی به آسمان می‌کند.

چه خبر شده است؟

پیامبر دارد زمزمه‌ای می‌کند.

گوش کن!

خدایا! آیا مثل سعد باید فشار قبر ببیند؟

بعد رو به مادر سعد می‌کند و می‌گوید:

الآن، سعد فشار قبر دارد.

به راستی، چه شده است؟

سعد و فشار قبر؟ چرا باید سعد با آن مقام این گونه فشار قبر ببیند؟

آیا موافقی این سؤال را از پیامبر ﷺ بپرسیم؟

جواب پیامبر این است:

سعد با خانواده‌اش بد اخلاق بود و این فشار قبر به خاطر آن بود.^{۳۰}

آری، درست است که سعد، مقام بزرگی نزد پیامبر داشت اما همه کارهای خدا روی حساب و کتاب است!

سعد همه خوبی‌ها را داشت ولی با همسر خود بد اخلاق بود و برای همین باید فشار قبر ببیند.^{۳۱}

ما باید خیلی مواظب باشیم که مبادا با بد اخلاقی در خانه به سرنوشتی دچار شویم که سعد گرفتار شد.

حتماً شنیده‌ای که پیامبر ﷺ چند روز قبل از ماه رمضان برای مردم سخنرانی کرد و برای مردم در مورد عظمت ماه رمضان سخن گفت.

آری، ماه رمضان بسیار عزیز است و اگر تو بتوانی در این ماه مؤمنی را افطاری بدهی خدا به تو ثواب آزاد کردن یک بنده می‌دهد.^{۳۳}

فکر می‌کنم منظور مرا فهمیدی!

اگر بروی و برای خانواده خودت خرید کنی این کار تو همانقدر ثواب دارد که افطاری دادن در ماه رمضان!

بنازم این مکتب را که چقدر زیبا تلاش می‌کند کانون خانواده را مستحکم سازد.

آری، من می‌دانم که در صف نانوایی ایستادن برای تو خیلی سخت است!

اما از امروز به بعد، هر وقت که در صف نان ایستادی به یاد این سخن امام سجاد علیه السلام باش و بدان که در حال عبادت هستی!

من می‌دانم دیگر هر وقت همسرت به تو سفارش خرید چیزی را برای خانه بکنند، تو با میل و رغبت این کار را انجام می‌دهی چرا که تو با این کار به کمال معنوی بزرگی دست می‌یابی!

شاید در میان خوانندگان این کتاب، افرادی هستند که می‌گویند من کار به ثواب ندارم.

بحث من هم در مورد ثواب آزاد کردن یک بنده نیست، بلکه سخن من این است که تو اگر می‌خواهی به کمال معنوی برسی، یکی از راه‌های آن این است که برای خانواده خود خرید کنی!

آیا می‌دانی وقتی که از خرید برمی‌گردی چه ارزشی پیش خدا داری؟ وقتی با دستهای خود گوشت و میوه و... را به خانه می‌بری، خداوند

این لیست را بگیر و خرید کن!

حتماً برایت پیش آمده است که همسرت به تو گفته است که گوشت در منزل تمام شده، برو مقداری گوشت خریداری کن!
و تو که خیلی خسته‌ای، نمی‌دانی چه کنی، می‌خواهی مقداری استراحت کنی.

اما همسر شما می‌خواهد برای شام، غذا تهیه کند.

بالاخره تصمیم می‌گیری برای خرید بیرون بروی.

اما آیا فکر می‌کنی که این کار تو نزد خدا ثواب و پاداش هم دارد؟

آری، تو می‌روی برای خانه خرید کنی و باید بدانی که چه ثوابی برای تو نوشته می‌شود؟

آیا موافقی ببینیم که امام سجاد علیه السلام برای این خرید چه ارزشی را قائل است؟

آن حضرت فرمود:

وقتی به بازار می‌روم و برای خانواده خود، گوشت خریداری

می‌کنم، این کار را از آزاد کردن یک بنده، بهتر می‌دانم.^{۳۲}

ثواب آن کسی را به تو می دهد که در راه خدا صدقه داده است.
آری، خرید کردن برای خانه در مکتب اسلام مساوی با صدقه دادن است!

اگر صدقه رفع بلا می کند، و مایه خوشحالی خداوند می شود و مرگ ناگهانی را از انسان دور می کند، خرید برای خانواده نیز همین اثرها را دارد.
من این سخن را از خود نمی گویم، پیامبر ﷺ فرمود:

آنگاه که مردی وارد بازار شود و برای خانواده خود چیزی بخرد و آنرا به خانه ببرد، ثواب او برابر با کسی است که صدقه به نیازمندان می دهد.^{۳۴}

آری، در تعالیم اسلام تلاش شده است تا روابط بین زن و شوهر همواره با عشق و صمیمیت همراه باشد و کانون خانواده در میان جامعه مسلمانان از استحکام زیادی برخوردار باشد.

کاری نکنی که نمازت قبول نشود!

نگاه کن! صحرای قیامت است و چه غوغایی برپاست!
همه مردم سر از خاک برداشته و آماده اند تا به حساب کردار و رفتار آنها رسیدگی شود.

در این میان چشم من به مجید می افتد.
مجید یکی از دوستان خوب من در دنیا بود و من خیلی به او علاقه داشتم.

او خیلی خوشحال به نظر می رسد.

آیا موافقی پیش او برویم.

- سلام، مجید آقا!

- سلام، دوست من!

- می بینم که خیلی شاد و خوشحال هستی!

- بله چون من در دنیا کارهای خوب زیادی انجام داده ام و آمادگی کامل برای چنین روزی را دارم.

- آیا می شود کارهای خوب خود را برایم بگویی؟

- بله، من دو سفر حج واجب رفته ام، سه عمره انجام داده ام، پنج بار کربلا

رفته‌ام، یک مدرسه و یک مسجد ساخته‌ام، صد یتیم را سرپرستی کرده‌ام، ده‌ها فقیر را تحت حمایت خود در آورده‌ام...

اینجا بود که حسرت خوردم که چرا من نتوانستم این همه کار خوب انجام دهم!

به راستی که اگر انسان ثروت داشته باشد و آن را در راه خیر مصرف کند سعادت بزرگ داشته است.

من دیگر یقین کردم که مجید اهل بهشت است برای همین روی او را بوسیدم و به او گفتم ما را فراموش نکنی، وقتی خواستی به بهشت بروی دست ما را هم بگیر.

خلاصه آنکه نوبت حسابرسی مجید فرا می‌رسد و فرشتگان نام او را می‌خوانند.

و مجید برای حسابرسی جلو می‌رود.

– تو در دنیا چه کار کرده‌ای؟

– حج و عمره به جا آورده‌ام.

– حج و عمره تو قبول نیست!

– مدرسه ساخته‌ام.

– قبول نیست.

– یتیمان را سرپرستی کرده‌ام.

– قبول نیست!

مجید هر کار خوبی که انجام داده است را نام می‌برد فرشتگان به او می‌گویند که آن عملش قبول نیست.

مجید را نگاه کن که چطور گریه می‌کند!

من خیلی تعجب می‌کنم، آخر چه شده است چرا هیچ یک از اعمال این رفیق من مقبول درگاه خدا واقع نشده است.

من نزد مجید می‌روم تا شاید علت را بفهمم می‌بینم که او نیز حسابی گیج شده است.

مجید تا نگاهش به من می‌افتد با گریه می‌گوید: نگاه کن، همه اعمال من باطل اعلام شد! بدبخت شدم! حالا چه کنم؟

من دلم برای مجید خیلی می‌سوزد.

آیا موافقی با هم نزد فرشتگان محاسبه اعمال برویم و علت را جویا شویم.

من به آن فرشتگان می‌گویم:

«می‌دانیم که خدا به هیچ کس ظلم نمی‌کند و همه کارهای او روی حساب و کتاب است، اما ما می‌خواهیم بفهمیم که چرا همه کارهای خوب مجید باطل اعلام شده است؟».

اینجاست که یکی از فرشتگان رو به من می‌کند و می‌گوید:

«مجید اعمال نیک زیادی انجام داده ولی چون همسر خود را اذیت کرده است هیچ کدام از اعمال او قبول نمی‌شود».

تازه یادم افتاد که مجید همه خوبی‌ها را داشت اما یک عیب داشت و آن این که همسرش را اذیت و آزار می‌کرد.

اما آیا اذیت و آزار همسر این قدر گناه بزرگی است که می‌تواند همه اعمال خوب یک نفر را باطل کند؟

پیامبر ﷺ فرمود:

هر زنی که شوهر خود را اذیت و آزار کند خداوند هیچ کدام از اعمال

خوب او را قبول نمی‌کند و هر مردی که زن خود را آزار دهد نیز این چنین است.^{۳۵}

آن زنی که بدون اجازه شوهر به مسجد می‌رود، باید بداند که خدا نماز او را قبول نمی‌کند و همین‌طور آن مردی که حقوق همسر خود را مراعات نمی‌کند باید بداند که خداوند اعمال خوب او را قبول نمی‌کند.

با همسر خود مهربان باشید!

«همواره جبرئیل در مورد زنان با من سخن می‌گفت و به من توصیه می‌کرد به مردان بگویم که مراعات حال آنها را بنمایند».^{۳۶}

این سخن رسول خدا ﷺ است.

جبرئیل به پیامبر ﷺ عرضه داشت:

ای محمد!

به اُمّت خود بگو که با زنان مهربان باشند!

و دل‌های آنها را شاد کنند و به آنان خشم نگیرند.^{۳۷}

برادرم!

به راستی چگونه می‌توانیم دل همسر خود را شاد کنیم؟

آیا موافقی یکی از راههای آن را برایت بگویم.

آیا می‌دانی که توجّه نشان دادن به همسرت باعث می‌شود او احساس زنده بودن واقعی کند؟

آیا می‌دانی که توجّه شما به همسرت یک پیام مهم را برای او می‌رساند؟

آیا می‌دانی آن پیام چیست؟

وقتی تو به همسر خود توجه می کنی او احساس می کند که خیلی دوست داشتنی و مهم است.

اما اگر او احساس کند که تو به او توجه نداری قلب او خواهد مرد! و آنگاه تو حسرت عشق او را خواهی خورد، و به راستی زندگی با زنی که قلبش مرده است خیلی سخت است!

اما تو خودت این کار را کرده ای، تو خودت، دل او را با بی توجهی نابود کرده ای.

پس سخن جبرئیل را آویزه گوش خود کن و تلاش کن تا همواره، دل همسر خود را شاد کنی زیرا در این صورت است که خوشبختی را برای خودت مهیا می سازی.

شما باید یاد بگیرید که به همسران توجه پیدا کنید.

مثلاً از او بخواهید لباس زیبایش را به تن کند و آنگاه به او بگویید: «این لباس چقدر به تو می آید و تو چقدر زیباتر شده ای!».

از رنگ مو و گیسوی او تعریف کنید!

وقتی او به ظاهر خود رسیدگی می کند به او بگویید: «تو پرشورترین زن دنیا هستی و من از تو خیلی راضی هستم!».

وقتی غذای شما را سر سفره می آورد به او بگویید: «این غذایی خوشمزه و عالی است!».

حال که سخن به اینجا رسید، آیا موافقی ما یک مسابقه برگزار کنیم تا به بهترین افراد جامعه جایزه ای بدهیم و از آنها تقدیر کنیم؟

حتماً می گویی اوّل باید در این مطلب به توافق برسیم که چه افرادی، بهترین مردم هستند؟

به نظر شما بهترین مردم چه کسی است؟

کسی که اهل نماز و روزه است؟ کسی که فرد نیکوکاری است و به افراد بیچاره کمک می کند؟

آیا موافقی ما این سؤال را پیامبر ﷺ پرسیم؟ به نظر شما آن حضرت چه جوابی خواهد داد؟

این سخن آن حضرت است:

بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده خود، بهتر باشد. ۳۸

با این حساب، کسی که اهل نماز و طاعت است اما با خانواده خود خوش اخلاق نیست، برنده مسابقه ما نخواهد بود.

آن نیکو کاری که به خانواده های بی بضاعت، کمک مالی زیادی می کند اما همسرش را در حسرت محبت و عشق، باقی می گذارد، بهترین مردم نیست.

آیا می دانید هر کسی که با خانواده خود نیکو رفتار کند خداوند بر عمر او می افزاید. ۳۹

برادر خوب من!

همسر شما امانت خداست در دست شما!

این دستور اسلامی است که باید امانت را محافظت کنی!

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

زنان، امانت خدا در پیش شما هستند. ۴۰

آیا درست است که همسر شما، وقتی به خانه شما می آید یک خانم شاداب باشد اما بعد از چند سال زندگی با شما به خاطر عدم توجه شما به

یک خانم افسرده تبدیل شود؟

آیا این رسم امانت داری است؟

بترسید از این که امانت خدا را تباه کنید!

چرا باید در جامعه‌ای که پیرو اسلام است وضع روحی زنان این گونه باشد؟

بیایید در پرتو تعالیم اسلام، مرد و مردانه جهت شادمانی همسران خویش گام برداریم.

بیایید با شاد کردن همسران خویش، به خدا نزدیک شویم!

ما می‌توانیم!

به امید آن روز که هر چه به خدا نزدیکتر شویم محبت ما به همسرمان بیشتر شده باشد!

به امید آن روزی که شادابی و تبسم همسر خویش را سرمایه معنوی خود بدانیم.

برادرم!

آیا می‌دانی یکی از حقوق همسر تو این است که با او ترش رویی نکنی! این سخن پیامبر ﷺ است که فرمود:

حق زن بر شوهرش این است که نفقه و مخارج او را تأمین کند و هیچگاه با او ترش رویی نکند.^{۴۱}

آری، اسلام هم به نیازهای جسمی زن اهمیت می‌دهد و هم به نیازهای روحی او.

همان قدر که به فکر تهیه غذا و پوشاک برای همسر خودت هستی آیا به فکر این هستی که با روی خوش با او برخورد کنی؟

آیا می‌دانی که ما در مقابل شادمانی و نشاط روحی همسر خود، وظیفه داریم؟

ما باید کاری کنیم که همواره همسرمان در خانه ما احساس خوشبختی بنماید.

نیاز همسرت به سخن گفتن را درک کن!

وقتی با مشکلی روبرو می‌شوی چه می‌کنی؟

به فکر فرو می‌روی و تلاش می‌کنی تا راه حلی برای مشکل خود بیابی. آری، ما مردان این چنین خلق شده‌ایم که تا چاره‌ای برای مشکل خود نیابیم به آرامش نمی‌رسیم برای همین نیاز داریم که در جای خلوتی به فکر کردن مشغول شویم.

اما آیا می‌دانی وقتی همسر تو با مشکلی برخورد می‌کند نیاز دارد تا با تو سخن بگوید.

این یک «راز زنانه» است که می‌خواهم برایت بگویم پس به دقت گوش کن.

زمانی که زنی با مشکلی روبرو می‌شود گزینه‌ای به او می‌گوید که یک نفر را پیدا کن و با او درد دل کن.

برای او بزرگی و کوچکی مشکل فرق نمی‌کند، او نیاز دارد برای رفع نگرانی خود، در مورد مشکل خود، سخن بگوید.

او به دنبال پیدا کردن راه حل مشکل نیست!

تعجب نکن، درست نوشته‌ام!

ما مردان هنگام روبرو شدن با مشکلات به دنبال راه حل خوب می‌گردیم اما زنان، هنگام روبرو شدن با مشکل به دنبال یک همدم خوب هستند.

خواهش می‌کنم روی جمله قبل خیلی دقت کن.

اگر شما برای همسر خود یک شنونده خوب و یک همدم خوب باشید، در راه رسیدن به آرامش، کمک بزرگی به او کرده‌اید.

برادرم!

ممکن است با سخن گفتن همسران، مشکل او حل نشود ولی همین که تو با او همدردی کردی و به سخنان او گوش کردی آرامشی زیبا به او هدیه کرده‌ای.

به خانه می‌آیی و همسرت با تو سخن می‌گوید و مشکلاتش را با تو در میان می‌گذارد، تو باید بدانی که او هرگز نمی‌خواهد تو را مقصر بداند!

او اکنون به شوهر خود رسیده است و می‌خواهد به آرامش برسد. خوب، او چگونه این کار را می‌کند؟

با سخن گفتن.

برای همین شروع به حرف زدن می‌کند.

اما شما که نمی‌دانی خیال می‌کنی او می‌خواهد تو را محکوم کند و برای همین حالت دفاع به خود می‌گیری و اوضاع را خراب می‌کنی!

بارها شده است وقتی همسرت مشکل خود را به تو می‌گوید تو راه حلی برای مشکل او می‌گویی و خیال می‌کنی او باید با یافتن این راه حل به آرامش برسد اما این چنین نمی‌شود.

آیا علت را می‌دانی؟

چون مرد با یافتن راه حل آرام می‌شود اما زن با همدردی و سخن گفتن! تو باید بدانی وقتی همسرت با تو سخن می‌گوید به دنبال این نیست که تو برای او راه حلی بیابی! تو باید بدانی که همسرت با همین سخن گفتن و ذکر جزئیات به آرامش می‌رسد.

بنابراین دیگر نسبت به پرحرفی همسرت حساسیت به خرج نمی‌دهی چون می‌دانی که سخن گفتن همسرت، اثر شفابخشی برای او دارد.

از امروز به بعد، بدون اینکه احساس مقصر بودن بکنی به سخنان همسر خود گوش فرا می‌دهی و برای او شنونده خوبی می‌شوی، آن وقت است که تو بهترین شوهر دنیا می‌شوی چرا که آرامش را به همسر خود ارزانی داشته‌ای.

آری، از این به بعد، دیگر به سخنان همسرت بی‌توجهی نمی‌کنی، چون می‌دانی که مهم‌ترین نیاز روحی همسرت، نیاز به شنیده شدن سخنانش توسط شماست.

برای روشن شدن موضوع، خوب است در اینجا ویژگی زنان را بیان کنم:

۱. زنان طوری خلق شده‌اند که به هر کار محبت‌آمیز، امتیازی خاص می‌دهند حال می‌خواهد آن کار کوچک باشد یا بزرگ.

۲. زنان به مجموع امتیازهایی که شما آورده‌اید نگاه می‌کنند.

شما شش ماه کار کردی و یک سفر عالی برای همسرت فراهم کردی و پیش خودت فکر می‌کنی که این سفر دارای هزار امتیاز است!

آری، ما مردان این گونه هستیم که بین یک سفر و هدیه یک شاخه گل، خیلی فرق می‌گذاریم.

از نگاه ما اگر هدیه شاخه گل، ده امتیاز باشد، یک سفر در بهترین نقطه کشور و در بهترین هتل، هزار امتیاز می‌آورد چرا که ما به هزینه‌ها، نگاه می‌کنیم و امتیاز بندی می‌کنیم.

اما زنان به شاخه گل و سفر، به یک صورت امتیاز می‌دهند!!

حالا حساب کن که تو شش ماه تلاش کردی و پول سفر را فراهم کردی و از محبت‌های کوچک دیگر چشم پوشی کردی چون می‌خواستی به یکباره هزار امتیاز به دست آوری اما غافل بودی که شما همان ده امتیاز را به دست می‌آوری.

آری، همسر تو نیاز دارد تا هر روز به او محبت‌های کوچک بکنی!

باز تأکید می‌کنم چون کارهای کوچک برای ما مردان کم ارزش است پس خیال می‌کنیم که این کارها برای همسرمان هم کم ارزش خواهد بود برای همین همواره به فکر این هستیم که برای او کاری بزرگ انجام دهیم.

همسر تو نیازمند اظهار محبت‌های پی‌درپی و هدایای فراوان اما کوچک است!

چگونه همسران به شما امتیاز می‌دهد؟

ما مردان به گونه‌ای خلق شده‌ایم که همواره می‌خواهیم کارهای بزرگ انجام دهیم و به وسیله آن امتیاز زیادی بگیریم.

و همین موضوع را در زندگی زناشویی خود می‌آوریم و تلاش می‌کنیم تا کار بزرگی را برای همسرمان انجام دهیم.

خوب انجام کار بزرگ به زمان زیادی نیاز دارد.

آری، تو ماه‌ها تلاش می‌کنی و اضافه کاری می‌روی تا پولی به دست آوری و همسرت را به یک سفر خوب و عالی ببری!

اما وقتی بعد از شش ماه تلاش، او را به مسافرت می‌بری، پیش خود خیال می‌کنی که حتماً همسر تو بسیار خوشحال خواهد شد چرا که تو کار مهمی انجام داده‌ای!

اما می‌بینی که همسر تو به اندازه‌ای که فکر می‌کردی خوشحال نشده است و حسابی گیج می‌شوی!

آخر تو شش ماه تمام جان‌کندی و کار کردی تا توانستی هزینه این سفر را فراهم کنی.

برای او مهم نیست که هدایای تو بزرگ باشد یا کوچک، مهم این است که تو همواره به وسیله‌ای به او محبت کنی!

این فکر را از سرت بیرون کن که با انجام کارهای بزرگ و شایسته ولی در فاصله زمانی طولانی، بتوانی نیاز عاطفی همسر خود را بر آورده سازی! آنچه برای همسر تو مهم است استمرارِ موردِ توجه بودن است اگر چه به صورت یک هدیه کوچک در هر روز باشد.

مردی که یاد گرفته است برای شریک زندگی خود کارهای کوچک انجام دهد همواره شادی و نشاط را در چهره همسر خود می‌یابد و اینجاست که این مرد، احساس خوشبختی می‌کند و اعتماد به نفس قوی پیدا می‌نماید.

حضرت علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید که زن، «ریحانه» است.^{۴۲}

در زبان عربی به گل خوشبو، «ریحانه» می‌گویند.^{۴۳}

و تو می‌دانی که یک گل خوشبو را باید هر روز آب بدهی و از آن مواظبت بکنی!

آیا می‌توانی بگویی که من شش ماه به گل، آب نمی‌دهم در عوض صبر می‌کنم و یکباره یک استخر آب به آن گل می‌دهم؟

آن وقت دیگر گل تو خشک شده است، یک دریا آب هم نمی‌تواند آن را زنده کند.

پس بیا و هر روز به همسر خود محبت کن تا همواره شاهد شادابی و نشاط او باشی.

خلاصه آنکه همسر شما به همان اندازه که از کارهای بزرگ خوشحال می‌شود از کارهای کوچک نیز شاداب می‌شود.

ما می‌توانیم بدون آن که دست به کارهای پرهزینه و بزرگ بزنیم با انجام کارهای کوچک امتیازهای مثبت از همسر خود بگیریم. (البته خانم‌های

محترم هم باید با قدردانی از اقدامات کوچک شوهرشان آنها را تشویق به ادامه آن بنمایند).

امتحان کنید و یقین داشته باشید که هرگز پشیمان نمی‌شود:

— موقعی که وارد خانه می‌شوید قبل از هر کاری همسر خود را در بغل گرفته و او را ببوسید.

— در هر فرصتی به او یک شاخه گل هدیه کنید.

— از نوع آرایش او تعریف کنید.

— اگر به هر دلیل، مجبور هستید دیر به خانه بروید با تلفن به او خبر دهید.

— هنگامی که او کار زیادی دارد در شستن ظرفها به او کمک کنید.

— در وسط روز، از محل کار خود به او زنگ بزنید و به او بگویید که دوستش دارید.

— قبل از ورود به بستر، دوش بگیرید و خود را خوشبو کنید.

— هنگام رانندگی، به تذکرات او در رانندگی جامه عمل بپوشانید.

— گاه گاهی برای او یک یادداشت محبت آمیز بگذارید.

— هنگامی که او با شما سخن می‌گوید مستقیم به چشمهای او نگاه کنید و به او بفهمانید که سراپا گوش هستید.

— هنگام گفتگو دستهای او را بگیرید و نوازش کنید.

— موقع خروج از منزل او را ببوسید و با او خداحافظی کنید.

— به او بگویید: «وقتی که از او دور هستید دلتان برای او تنگ می‌شود».

— همین حالا کتاب را زمین بگذارید و به نزد او بروید و به او بگویید:

«عزیزم دوستت دارم!».

— او را با بوسه صبحگاهی از خواب بیدار کنید.

- از او بپرسید: «چه کسی مهتاب را دزدید و در چشم تو گذاشت؟».
- از دست پخت او تعریف و تمجید کنید.
- به او بگویید: «تو بهترین نعمتی هستی که خدا به من داده است».
- گیسوان او را نوازش کنید.
- از او بخواهید تا سرش را روی شانه شما بگذارد.
- در میان روز، موقعی که او مشغول کارهای خانه است، بدون مقدمه، لحظاتی او را در آغوش بگیرید.

وقتی که همسرت احساس ناامیدی می‌کند

وقتی که تو به همسر خود عشق می‌ورزی، او از عشق لبریز می‌شود و درخشنده و زیبا می‌شود و تو خیال می‌کنی که این احساس زیبای او ادامه پیدا خواهد کرد.

اما من اینجا از تو یک سؤال می‌کنم: آیا آسمان همواره آفتابی و صاف است؟

نظام طبیعت این گونه طراحی شده که چند روز آفتاب است و چند روز هم هوا ابری می‌باشد.

آیا درست است که توقع داشته باشی همیشه آب و هوا خوب باشد؟ اکنون بدان که روحیه همسر تو هم همیشه یک طور نیست.

اگر همسر تو در اوج گرمای عشق، ناگهان سرد و یخ می‌شود، تعجب نکن، همه زنان دنیا این طور هستند!

این یک ویژگی زنان است که تو باید از آن مطلع باشی تا بتوانی زندگی بهتری داشته باشی.

آری، ما مردان این طوری هستیم که خوشحالی و ناراحتی همسر خود را به حساب خود می‌گذاریم.

اگر او را شاد و شاداب ببینیم به خود افتخار می‌کنیم اما اگر او را ناراحت و ناامید ببینیم ناراحت می‌شویم و خیال می‌کنیم که او از ما ناراحت است. اشتباه ما این است که می‌خواهیم همسر خود را همیشه شاداب ببینیم و برای همین اگر یک روز همسر ما غمناک بود کلافه می‌شویم و از ناراحت بودن او انتقاد کرده و اوضاع را خراب‌تر می‌کنیم.

اکنون باید بدانی که احساسات زنان اوج و سقوط دارد، زنان بعد از یک مرحله عشق و زیبایی به مرحله یأس و ناامیدی سقوط می‌کنند و دوباره به مرحله عشق، اوج می‌گیرند.

این کاملاً طبیعی است: اوج عشق و بعد سقوط در یأس و دوباره اوج عشق!

زن بعد از یک مرحله اوج عشق و شادابی، به مرحله یأس و ناامیدی می‌رود تا یک خلأ درونی برای او ایجاد شود و آنگاه بتواند انرژی‌های خود را خنثی کند.

باید توجه داشته باشی که تمایل همسر تو برای رفتن به مرحله یأس هرگز نشانه این نیست که او از تو ناراحت است بلکه این یک عملکرد طبیعی است تا او بتواند انرژی‌های خود را تخلیه نماید و بعد از آن رابطه بهتری را ایجاد کند.

تو نباید توقع داشته باشی که همسرت همیشه در نقطه اوج عشق باشد بلکه رفتن همسرت به نقطه یأس را کاملاً طبیعی بدان و در آن لحظات تلاش کن تا با او همدردی بنمایی و او بتواند این مرحله را به سرعت پشت سر بگذارد.

در آن لحظه‌ای که همسرت در مرحله سقوط در یأس و ناامیدی است به شدت نیاز به همیاری تو دارد.

تو نباید از او انتقاد کنی! چون این رفتار او به خاطر تو نیست، او دارد

یک نیاز طبیعی خود را ارضاء می‌کند.

در اینجا او احساس تنهایی و واماندگی می‌کند و خیال می‌کند که بی‌پناه رها شده است برای همین وقتی شما به همسر خود توجه می‌کنی، او به سرعت از مرحله سقوط به مرحله اوج شادابی می‌رسد و دوباره همان همسر شاداب تو می‌شود.

از امروز به بعد، اگر دیدی که روحیه همسرت خراب است و عصبی و افسرده است و نسبت به هر چیزی ابراز مخالفت می‌کند، نگران نشو بلکه بدان که او الآن وارد مرحله یأس شده است.

او نیاز به حمایت تو دارد، او نیاز به محبت بیشتری دارد تا این مرحله را طی کند و حواست جمع باشد مبادا در این مرحله محبت خود را از او دریغ کنی.

اگر در این مرحله فقط یک گوش شنوا داشته باشی کافی است تا بتوانی به همسرت کمک کنی!

چقدر جالب است که حضرت علی علیه السلام به یکی از فرزنداناش به نام محمد حنفیه، وصیت می‌کند و به او می‌گوید:

پسر، در همه شرایط با همسر خود مدارا کن و به او خوبی کن تا زندگیت با صفا باشد.^{۴۴}

آری، اگر زندگی راحت و با صفا می‌خواهی باید به سخن حضرت علی علیه السلام گوش فرادهی و همواره با همسر خود مهربان باشی و به او نیکی کنی!

ای کاش، همه پدران ما وقتی که پسران خود را داماد می‌کنند این توصیه را به آنها می‌کردند.

خلاصه آنکه در مواقعی که همسر تو افسرده و نگران است به حرفهای او گوش فرا بده و از او حمایت کن و بدان که این رفتار او طبیعی است و

اتفاق خاصی نیفتاده است بلکه او دارد یک مرحله احساسات طبیعی خود را طی می‌کند.

مبادا مانع آن بشوی که همسر شما به مرحله یأس برسد!

زیرا اگر مانع بشوی تا همسرت احساسات منفی خود را بروز بدهد احساسات زیبای او هم نابود خواهد شد و تو به زودی شاهد آن خواهی بود که دیگر از عشق و شور مستانه همسرت خبری نیست.

تبادل همسر تو در گرو این است که به طور مداوم از مرحله اوج عشق به مرحله یأس برود و دوباره به مرحله اوج شادی، پرواز کند.

اگر برنامه تو به گونه‌ای است که همسرت در زندگیت احساسات منفی و یأس خود را مخفی می‌کند به هوش باش که تو او را به سوی بی‌احساسی و کشتن عشق، سوق می‌دهی!

آری، این که زنی داشته باشی که احساسات منفی نداشته باشد خوب است اما اگر به این آرزو رسیدی، دیگر همسرت احساسات مثبت مثل عشق و شادابی، هم نخواهد داشت و آن وقت در حسرت یک برخوردار عاشقانه و شور مستانه او باقی خواهی ماند.

اگر می‌خواهی که به احساسات زیبای عشق و شادمانی همسر خود دست یابی باید احساسات بی‌تفاوتی و یأس و اندوه او را هم قبول کنی! همسر تو وقتی در مرحله اوج عشق است به زیبایی‌ها می‌اندیشد و همه چیز را خوب می‌بیند.

اما وقتی در مرحله یأس قرار می‌گیرد به نداشته‌ها فکر می‌کند و ابرهای تیره و تار در مقابل چشمانش ظاهر می‌شوند.

او در این حالت نصفه خالی لیوان را می‌بیند و ممکن است از شما انتقاد کند.

اما شما روحیه همسرت را می‌شناسی و می‌دانی که این یک حالت کاملاً

طبیعی می‌باشد و رابطه‌ای با رفتار و اخلاق شما ندارد.

آری، همه مردان دنیا، این لحظات یأس همسرشان را دیده‌اند و مهم این است که در آن لحظات، همسر خود را با انتقاد مایوس‌تر نکنی بلکه باید محبت خود را به او ارزانی بداری، آنگاه می‌بینی که چگونه همسر تو سریعتر از مرحله یأس عبور می‌کند و به مرحله اوج عشق می‌رسد و دوباره همان فرشته زیبای زندگیت می‌شود و سعادت و خوشبختی را به تو ارزانی می‌دارد.

حالا اگر مایل باشی چند جمله را برایت بنویسم که خوب است در لحظاتی که همسرت در مرحله یأس است برایش بگویی:

— می‌دانم دلت نمی‌خواهد مرا ناراحت کنی،

— عزیز دلم، می‌توانی به کمک من امیدوار باشی.

— محبوبم، به من تکیه کن من تو را تنها نمی‌گذارم.

— می‌فهمم که به دلسوزی و محبت من احتیاج داری و دلت می‌خواهد در آغوشت بگیرم.

— از زندگی کردن با تو خیلی خوشحالم و توقع ندارم که کاملاً بی‌عیب باشی.

— مجبورتم نمی‌کنم که همیشه خودت را در مقابل من خوشحال نشان دهی.

شنیدن آن لذت می برد.

و البته این نکته در ذهن ما مردان کم اهمیّت جلوه می کند برای این که ما مردان از راه دیدن، ذوق زده می شویم و نه با شنیدن، ولی خانم ها، (بر عکس ما مردان)، از راه شنیدن، ذوق زده می شوند.

بیا از امروز با خود عهد ببند و همسر خودت را با این نام های زیبا صدا بزنی و آن گاه ببین که زندگی شما چقدر با صفاتر می شود و چقدر همسرت به تو عشق می ورزد.

یادم نمی رود وقتی من ازدواج کرده بودم یکی از استادانم به من گفت: «می خواهم در اوّل زندگیت یک مطلبی را به تو یاد بدهم».

من با خوشحالی تمام، سراپا گوش شدم تا سخن استاد خویش را به خاطر بسپارم.

او به من گفت:

«سعی کن در زندگی خود همواره همسر خود را "امانت خدا" صدا کنی».

آری، همسر انسان امانت خداست و این فرموده حضرت علی علیه السلام می باشد. ۴۵

آیا فکر کرده ای که اگر همه مردان ما همسران خود را این گونه خطاب می کردند زنان جامعه ما، چه احساس افتخاری می کردند!

ما هنگامی که همسر خود را این گونه صدا بزنی ناخودآگاه متوجه وظیفه سنگین خود می شویم که مبادا در نگهداری این امانت، کوتاهی بکنیم.

۲. در یکی از شب های مهتابی زمانی که همسر تان اصلاً احتمالش را نمی دهد تلویزیون را خاموش کنید و به همسر خود بگویید می خواهم ساعتی در کنار تو و با تو باشم.

آنگاه با هم برخیزید و بیرون بروید و جای خلوتی را پیدا کنید و در زیر نور مهتاب با همسر خود قدم بزنید و خاطرات خوش زندگیتان را برای

چند پیشنهاد برای آقایان

۱. آیا می دانید کلید نفوذ به قلب زنان، گوش آنهاست؟

اگر می خواهی کاری کنی که همسرت تو را بیشتر دوست داشته باشد باید بدانی که با گفتن کلمات زیبا می توانی او را بر سر ذوق آوری.

به راستی شما همسر خود را چه صدا می زنید؟

آیا می دانید که شما می توانید از همین کلمات برای ایجاد صمیمیّت بیشتر استفاده کنید.

گلم! عزیزم!

قلبم! قشنگم!

عسلم! نازنینم!

و ده ها کلمه قشنگ دیگر...

شاید بگویی اگر من همسر را با این نام ها صدا بزنی، او تعجب خواهد کرد.

ولی شما شک نکنید، امتحان کنید!

یکی از این نام ها را با صمیمیّت کامل به همسر خود بگویید، در آغاز، ممکن است همسر شما تعجب کند اما بعد از مدتی به آن عادت می کند و از

یکدیگر تعریف کنید.

یک کار دیگر هم می‌توانید بکنید وقتی که باران می‌بارد با هم در زیر باران قدم بزنید زیرا موقع باران، آسمان با زمین عشق بازی می‌کند، البته مواظب باشید سرما نخورید!!

۳. لمس کردن و نوازش کردن یکی از مهم‌ترین نیازهای همسر شما است.

برای همین فراموش مکن که او را در آغوش بگیری و دست خود را به دور شانه او حلقه بزنی.

اگر به این کار عادت کنی زندگی زناشویی موفق‌تری در انتظار توست.

۴. وقتی می‌خواهید از منزل خارج شوید سعی کنید با احساسی صمیمانه با همسر خود خداحافظی کنید.

شما تصوّر کنید این بار آخری است که او را می‌بینید، پس او را ببوسید و از خانه خارج شوید.

۵. زمانی که به سفر می‌روید فراموش نکنید که برای همسر خود یک هدیه بخرید.

این گونه به همسر خود می‌گویید که حتی زمانی که از او جدا بوده‌اید او را فراموش نکرده‌اید.

این پیام برای همسر شما مهم‌تر است از هدیه‌ای که روی دست‌های شماست.

برای همین تصمیم بگیر هرگاه به مسافرت می‌روی برای او هدیه‌ای هر چند کوچک خریداری کنی!

۶. حتماً برای شما پیش آمده است که به خانه آمده‌اید و دیده‌اید که همسر شما به سردرد مبتلا شده است.

شما چه کمکی به او می‌توانید بکنید؟

به او پیشنهاد می‌کنید که او را نزد پزشک ببرید ولی می‌بینید که صدای گریه او بلند می‌شود.

تعجب می‌کنید و حسابی گیج می‌شوید.

تجربه نشان داده است که او در این لحظات به پزشک نیاز ندارد.

او از شما می‌خواهد تا مقداری از وقت خود را صرف او بکنید.

کارهای زندگی و تربیت و نگهداری فرزندان او را خسته کرده و انرژی او تمام شده است، برای همین دیگر طاقت ندارد و این خستگی به صورت سردرد بروز کرده است.

اینجا باید او را مورد محبت و نوازش قرار دهید!

او بیمار شما می‌باشد و خود شما شفای او هستید!

۷. موفق شدن در زندگی مشترک به اندازه موفق شدن در شغل و کار، مهم می‌باشد، فراموش نکنید که وقتی دوران مختلف زندگی ما به پایان برسد معمولاً افسوس می‌خوریم که چرا ما نسبت به هم، بیش از این مهربان نبوده‌ایم.

عشق و محبت به همسری که می‌خواهید سال‌ها با او زندگی کنید از کسب مدال طلا یا گرفتن ارتقاء رتبه در سازمانی که در آن کار می‌کنید مهم‌تر است.

۸. گاه‌گاهی به این سفارش رسول خدا ﷺ جامه عمل بپوشان!

بر سر سفره که نشسته‌ای یک لقمه خوشمزه بگیر و به دهان همسرت بگذار!

و بدان که خداوند به خاطر این کار تو پاداش بزرگی به تو می‌دهد.

این سخن رسول خداست ﷺ که فرمود:

وقتی که لقمه‌ای به دهان همسر خود می‌گذاری خداوند به تو پاداش

می‌دهد. ۴۶

۹. سعی کنید همیشه مرتب باشید و به سر و وضع خود برسید. خوب است این قصه را از زبان یکی از یاران امام کاظم علیه السلام بشنوید: در کوچه‌های مدینه قدم می‌زدیم که نگاهم به امام کاظم علیه السلام افتاد. جلو رفته و پس از عرض سلام، به آن حضرت گفتم: چه شده که موهای سرو صورتتان را رنگ کرده‌اید؟ امام علیه السلام فرمود:

این که مرد به خود برسد و خود را زینت کند باعث عفت و پاکدامنی همسرش می‌شود.^{۴۷} آری، همسر شما دوست دارد که شما را با سر و وضع مرتبی مشاهده کند.

۱۰. سعی کنید که همیشه خوشبو باشید. قبل از اینکه کنار همسر خود بروید از عطرها خوشبو استفاده کنید. آیا شنیده‌اید پولی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای خرید عطر مصرف می‌کرد بیش از پولی بود که برای غذا و خوراک خود قرار می‌داد.^{۴۸} مگر پیامبر صلی الله علیه و آله، الگوی ما مسلمانان نیست؟ ولی ما مسلمانان چقدر از عطر استفاده می‌کنیم؟ تازه اگر هم عطر بزینم موقعی است که می‌خواهیم به مهمانی مهمی برویم.

چرا ما چیزهای خوب را برای غریبه‌ها استفاده می‌کنیم و شریک زندگی خود را از آن محروم می‌کنیم؟ همین امروز با همسرت به خرید بروید و عطری را که او دوست دارد خریداری کنید و هرگاه خواستید در کنار او باشید آن عطر را استفاده کنید.

فصل دوم:

بهترین زن دنیا

آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند؟

یک روز به مناسبت روز زن، جلسه‌ای برگزار شده بود و از یک خانم دعوت شده بود تا سخنرانی کند و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم. آن خانم پشت تریبون رفت و در مورد جایگاه زن سخن گفت و گفت که زنان امروز جامعه ما در حال گذر از «کلفت‌خانه» به سوی «زنان فرهیخته» هستند.

منظور او این بود که وقتی خانمی در خانه کار می‌کند و برای همسر خود زحمت می‌کشد یک نوع کلفتی می‌کند!

این جایگاه زن امروز نیست!

در آن جلسه زنان زیادی حضور داشتند و به این سخنان گوش می‌کردند. نمی‌دانم وقتی که زنان خانه دار این سخن را شنیدند چه احساسی به آنها دست داد؟

آیا آنها کلفت شوهرشان بودند؟

شما فکر کنید آیا می‌توان با این سخنان، نظام خانواده را حفظ کرد؟

آیا شما اطلاع دارید که آمار طلاق در جامعه ما رو به افزایش است؟ وقتی ما این دیدگاه‌ها را برای زنان جامعه بیان می‌کنیم، آیا می‌توانیم انتظار آن را داشته باشیم که کانون خانواده، گرم و صمیمی باقی بماند! اکنون در این کتاب می‌خواهم جواب آن خانم سخنران را بدهم. ای کسی که کار کردن زن در خانه را، کلفتی می‌دانی! اگر می‌دانستی که خدمت زن در خانه چه مقام و منزلتی پیش خداوند دارد هرگز آن سخن را نمی‌گفتی!

آیا می‌دانید که اگر ما مردان، بخواهیم نظرِ مرحمتِ خدا را به سوی خود جلب کنیم باید چه قدر زحمت بکشیم؟

باید اول یک میلیون تومان به حساب سازمان حج و زیارت بریزیم و بعد از چند سال چشم انتظاری، وقتی نوبتمان شد به مکه برویم و اعمال حج را به جا آوریم و وقتی که از صحرای عرفات به سوی سرزمین منی حرکت کنیم حالا خدای متعال به ما نظر مرحمتی می‌کند.

اما خدا در چه موقعی نظر مرحمت خود را به زنان می‌کند؟

جواب این سؤال را از زبان اُمّ سلمه، همسر پیامبر ﷺ بشنوید!

یک روز اُمّ سلمه از پیامبر ﷺ سؤال کرد که آیا خدمت کردن زنان در خانه شوهرشان، ثوابی هم دارد؟

پیامبر ﷺ در جواب او فرمود:

هر گاه زنی برای مرتب کردن خانه شوهرش، چیزی را از جایی به

جای دیگر ببرد، خداوند به او نظر مرحمت می‌کند.^{۴۹}

خواهرم!

همین الآن نگاه کن ببین چه چیزی در خانه، نامرتب است، برخیز و آن

را مرتب کن، و یقین بدان که خدا به تو نظر مرحمت می‌کند!

خداوند عادل است و اگر زن در خانه شوهر به خدمت مشغول شود

برای او چنین ثوابی را قرار می‌دهد!

آیا این خدمت کردن، کلفتی است یا بهترین راه برای این است که

رحمت خدا را به سوی خود جلب کنی؟

همسری به این خوبی!

همه نگاه‌ها متوجه رسول خدا ﷺ می‌شود تا ببینند او در مورد این زن چه می‌گوید؟
گوش کن!
پیامبر ﷺ می‌فرماید:

همانا خدا در روی زمین کارگزارانی دارد و این زن یکی از آنهاست و خداوند برای او نیمی از ثواب شهیدان را قرار می‌دهد.^{۵۰}
آیا موافقی با هم کارهای آن زن را مرور کنیم؟
الف. استقبال از شوهر و بدرقه کردن او
ب. همدردی کردن در غم و غصه همسر.
به راستی اگر همه زنان جامعه ما آن زن را الگوی خود قرار می‌دادند، زندگی‌ها چقدر شیرین می‌شد.

خانمی که کارگزار خدا بود

پیامبر ﷺ در مسجد نشسته است و یارانش گرد او جمع شده‌اند.
و مردی وارد مسجد می‌شود و نزد پیامبر می‌آید، سلام می‌کند و می‌نشیند.

در این هنگام، این سؤال مطرح می‌شود که بهترین زن دنیا کیست؟
در اینجا آن مرد رو به رسول خدا ﷺ می‌کند و می‌گوید:

ای رسول خدا!

من همسری دارم که هرگاه به خانه بر می‌گردم او به استقبال من می‌آید.

و چون می‌خواهم از خانه بیرون بروم تا پشت در مرا بدرقه می‌کند.
و هرگاه مرا غمگین ببیند با من این چنین سخن می‌گوید:

چرا غم به دل تو آمده است؟ اگر غصه روزی می‌خوری بدان که خدا روزی رسان ما می‌باشد و اگر غم تو به خاطر قبر و قیامت توست، خدا کند که این غم تو زیادتر شود!

سخن این مرد به پایان می‌رسد.

همه متعجب هستند که خدا چه نعمتی به این مرد داده است، نعمت

مادر می دهد؟

پیامبر فرمود:

برای هر بار شیر مکیدن نوزاد، خداوند ثواب آزاد کردن یک بنده را

می دهد. ۵۱

به طور متوسط، هر نوزاد در روز، ده بار شیر می خورد و در هر باری که شیر می خورد بیش از صد مرتبه شیر می مکد، با این حساب اگر یک مادر، نوزاد خود یک سال شیر دهد در این مدت، ثواب آزاد کردن بیش از ۳۶۰۰۰۰ بنده را کسب کرده است.

در احادیث اهل بیت علیهم السلام می بینیم که برای نشان دادن اهمیت ثواب کارهای خیر، آن کارهای نیک با ثواب آزاد کردن یک بنده، مقایسه شده است.

مثلاً هر کس در هنگام افطار به فقیری یک وعده غذا بدهد ثواب آزاد کردن یک بنده دارد. ۵۲

ما مردان باید در ماه رمضان، فقیری را پیدا کنیم و از مال حلال خود به او یک وعده غذا بدهیم تا خدا ثواب آزاد کردن یک بنده به ما بدهد اما آن مادری که به نوزاد خود یک وعده شیر می دهد صد برابر ما ثواب دارد!

چرا همه خوبی ها برای مردان است؟

نمی دانم این سخن را شنیده ای که چرا خداوند همه خوبی ها ثواب ها را برای مردان قرار داده است؟

من بارها این سخن را شنیده ام.

اما چه پاسخی می توان به این سخن داد؟

همسر پیامبر صلی الله علیه و آله هم همین سؤال را از آن حضرت نموده است.

یک روز، ام سلمه (همسر پیامبر) به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت:

مردان در همه خوبی ها از زنان پیشی گرفتند پس برای زنان چه

چیزی مانده است؟

شما فکر می کنید که پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب او چه فرمود؟

آیا می دانی که خداوند در مقابل حاملگی زن چه ثوابی به او می دهد؟

در آن نُه ماه، خداوند ثواب روزه دار برای او می نویسد.

و چون نوزاد به دنیا آید هرگز نمی توان ثوابی را که خدا به مادر می دهد

حساب نمود.

آیا می دانید هر بار که نوزاد شیر مادر را می خورد، خدا چقدر ثواب به

اما خداوند، جهاد زنان را در همان محیط خانه و زندگی‌شان قرار داده است.

و همان ثوابی را که جهاد کنندگان دارند به زنانی می‌دهد که خوب شوهرداری کنند.

راستی آیا فکر کرده‌ای که چرا شوهرداری کردن زنان، با جهاد مردان مقایسه شده است؟

اگر ما مردان به جهاد می‌رویم تا از کشور و ناموس اسلام دفاع کنیم، زنان مسلمان نیز با شوهرداری کردن از کانون خانواده دفاع می‌کنند.

حضرت علی علیه السلام با کلام خود به این نکته اشاره می‌کند که شوهرداری کردن اگر از روی عشق و صفا باشد یک نوع جهاد است، زیرا زنان با همین کار با فروپاشی خانواده، جنگ می‌کنند.

ای زنان مسلمان!

شما با خوب شوهرداری کردن، از مهم‌ترین رکن جامعه اسلامی محافظت می‌کنید همان‌طور که جهاد کنندگان از مرز خاک‌کی کشور محافظت می‌کنند.

شما از حریم عشق و محبت حمایت می‌کنید تا در سرتاسر جامعه، محبت جوانه بزند، رشد کند و ثمر دهد.

اینکه شوهر شما مرد مهربانی باشد و شما با او بسازید که هنر نیست زیرا در این صورت، شما خوبی دیده‌اید و در مقابل خوبی کرده‌اید.

ولی اگر شوهر شما مردی باشد که گاه‌گاهی در حقوق شما کوتاهی کند ولی شما ایثار کنید و خوب شوهرداری کنید هنر کرده‌اید!

اینجاست که خدا برای شما ثواب جهاد را می‌نویسد!

آری، در سخن حضرت علی علیه السلام دقت کن، جهاد زن این است که بر آزار شوهر و سختگیری او در غیرت وزری صبر کند!

آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی؟

آیا می‌دانید ثواب آنان که در راه خدا جهاد می‌کنند چیست؟ آیا شنیده‌اید که ثواب یک روز جهاد در جبهه حق علیه باطل از چهل سال عبادت بیشتر است.

در احادیثی دیگر آمده است که درهای آسمان برای جهاد کنندگان باز می‌شود و در روز قیامت یکی از درهای بهشت مخصوص آنهاست.^{۵۳}

شاید شنیده باشی که خداوند جهاد را از زنان برداشته است.

اما برای من خیلی جالب بود که حضرت علی علیه السلام در سخنی فرموده‌اند که خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب کرده است.

اما جهاد مرد با زن فرق می‌کند.

جهاد مرد این است که به جبهه برود و در راه اسلام با دشمنان بجنگد.

و اما جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند.^{۵۴}

اگر (خدای نا کرده) دشمنان به مرز و بوم کشور اسلامی حمله کنند و جنگی پیش بیاید آن وقت ما می‌توانیم به جهاد برویم!

و صد البته بسیار سخت است که جان خویش بر کف بگیری و از همه دنیا دل بکنی و به جنگ دشمنان بروی!

این همان زنی است که ثواب یک روز شوهرداری او از چهل سال عبادت بیشتر است، این همان زنی است که درهای آسمان برای او باز می‌شود.

آری، با وجودی که این زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و طلاق بگیرد اما با این شوهر بد اخلاق می‌سازد و خدا هم این مقام و ثواب بزرگ را به او می‌دهد!

آرایش کردن برای شوهر

مراسم ازدواج یکی از دوستان من بود و و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم.

در آن میان، یکی دیگر از دوستان خود را دیدم که با او کار مهمی داشتم. بعد از مراسم، پیش او رفتم و خواستم در مورد مسأله‌ای با او سخن بگویم.

ولی او گفت که من باید زود به خانه بروم و از من درخواست کرد که سخن در مورد آن مسأله را برای فرصت دیگری بگذارم.

من گفتم: کجا با این عجله؟

او گفت: می‌خواهم بروم همسرم را ببینم!

من تعجب کردم مگر او همسرش را ندیده است؟

او که تعجب مرا دید گفت:

امشب که شب عروسی است خانم من به خودش رسیده و لباس زیبا به تن کرده و من باید زود به منزل بروم (و قبل از آنکه همسرم آن لباس‌های زیبا را با لباس‌های همیشگی خود عوض کند) او را ببینم!!

و او بعداً برایم گفت: «خانم من هر چه لباس کهنه و به درد نخور دارد

مقابل من می پوشد و از هیچ آرایشی استفاده نمی کند، من باید خدا خدا کنم تا یک مجلس عروسی فرا برسد و همسر من لباس های زیبای خود را بپوشد و مقداری به خودش برسد، آن وقت او را زیبا بینم».

به نظر شما چرا همسر او نباید بهترین لباس ها را برای شوهرش به تن کند و خود را برای او زینت کند؟
امام باقر علیه السلام فرمود:

زن نباید آرایش کردن برای شوهر را فراموش کند.^{۵۵}

این که زن نباید خود را در مقابل نامحرم آرایش کند سخنی به حق است، اما سخن من در این است که در محیط خانه که غریبه ای نیست چرا بعضی از زنان، آنچنان که باید به زینت خود نمی پردازند؟

این دستور اسلامی است که زن باید خود را برای شوهرش آرایش نماید و خود را خوشبو کند.

مگر امام صادق علیه السلام فرمود که بهترین زنان زنی است که برای شوهر خود خوشبو تر باشد.^{۵۶}

یادم نمی رود که یک روز تلفن همراه من زنگ زد، وقتی من جواب دادم، صدای گریه خانمی را شنیدم.

من تعجب کردم و گفتم چه شده است؟

جواب شنیدم: «تو را به خدا به من کمک کنید، زندگی من دارد از هم می پاشد شوهر من به من علاقه ندارد و...».

من به او گفتم: خونسردی خود را حفظ کن و به سؤالهای من جواب بده! و از او سؤال کردم که آیا خود را برای شوهرت، زینت می کنی؟

جواب او منفی بود.

من به آن خانم این دستورهایی ساده را دادم:

به موهای خود رنگ زیبایی بزن، یک لباس زیبا و جذاب تهیه کن، یک

عطر خوش بو خریداری کن و آن لحظه ای که شوهرت به منزل می آید به استقبال او برو در حالی که:

گیسوان خود را شانه زده و مرتب کرده ای

لباس زیبا و جذاب بر تن نموده ای

خود را آرایش کرده و عطر خوبی زده ای

شوهرت را در آغوش بگیر!

او گفت که من خجالت می کشم، من تا به حال این کارها را نکرده ام!

من در جواب او گفتم که اگر زندگی خود را دوست داری این کار را بکن!

خلاصه آنکه بعد از یک هفته همان خانم زنگ زد اما این بار با شادمانی از من تشکر می کرد.

خواهرم!

آیا می دانید یکی از بهترین راههایی که می توانید علاقه شوهر خود را نسبت به خود بیشتر کنید از راه همین چشم ها و نگاه های شوهرتان می باشد؟

آیا می دانید که بیشتر مردان با آنچه که می بینند بر سر ذوق می آیند در حالی که زنان با شنیدن، ذوقشان گل می کند.

آری، راه نفوذ بر قلب شوهرتان همان چشم اوست!

برای خودتان لباس های زیبا و جذاب و گیرا و چشم نواز بخرید و آن لباس ها را برای شوهرتان بپوشید.

از همسر خود بخواهید همراه شما به خرید بیاید و لباسی را که از دیدن آن لذت می برد برای شما خریداری کند.

آیا می دانید بدترین صحنه ای که یک مرد در زندگی می بیند چیست؟

من این سؤال را از مردان زیادی پرسیده ام.

خیلی‌ها این جواب را داده‌اند:

این که چشمشان به همسرشان بخورد در حالی که لباسی، نامرتب بر تن دارد و موهایی ژولیده مانند سیم ظرف شویی داشته باشد!

چرا بعضی خانم‌ها وقتی قرار است به مهمانی بروند این قدر به خود می‌رسند اما برای شریک زندگی خود، به ظاهر خود رسیدگی نمی‌کنند.

آیا می‌دانید که اگر به خودتان رسیدگی نکنید حق شوهر خود را ضایع کرده‌اید؟

آیا می‌دانید که یکی از حقوق شوهر که بر عهده شماست خوشبو بودن است؟

اگر موافق باشی قصه‌ای را برایت نقل کنم.

یک روز، یکی از زنان مدینه، پیش رسول خدا ﷺ آمد و از آن حضرت سؤال کرد:

ای رسول خدا!

من می‌خواهم بدانم وظیفه من نسبت به شوهرم چه می‌باشد؟

پیامبر ﷺ در جواب آن زن فرمود:

۱. خود را به بهترین عطرها خوشبو کنی

۲. بهترین لباس‌های خود را بپوشی

۳. بهترین زینتها را استفاده کنی

۴. هر صبح و شب خود را بر او عرضه کنی. ۵۷

خواهرم!

خوب می‌دانی که احکام دین اسلام برای سعادت ما می‌باشد.

لحظه‌ای فکر کن که اگر همه زنان مسلمان همین دستور پیامبر ﷺ را انجام می‌دادند زندگی‌ها چقدر با صفا بود؟

آری، خدا بر شوهر تو واجب کرده است تا کار و تلاش کند و نفقه شما را

تأمین کند.

خرج خورد و خوراک تو بر عهده مرد می‌باشد و او باید برای تأمین آن، هر روز به دنبال کار برود.

آیا درست است که تو در وظیفه خود نسبت به شوهرت کوتاهی کنی؟ باید لباس زیبا بپوشی و عطر بزنی و آرایش کنی و خود را به شوهرت عرضه کنی!

البته خود می‌دانی که باید مواظب باشی تا نامحرمی تو را نبیند و بوی خوش تو را استشمام نکند چرا که اگر زنی برای نامحرم، خود را خوشبو کند نماز او قبول نمی‌شود و مورد لعن و نفرین فرشتگان واقع می‌شود. ۵۸
خواهرم!

بار دیگر سخن پیامبر ﷺ را بخوان!

حالا دیگر با وظیفه خود آشنا شده‌ای!

پس بر خیز و بهترین لباس خود را بپوش و خود را زیبا کن!

و همواره در زندگی به این دستور اسلامی، عمل کن تا کانون خانواده شما همواره مستحکم بماند.

آری، شهادت بیشتر نصیب مردانی می‌شود که برای دفاع از اسلام به جنگ رفته‌اند و به این فیض بزرگ نائل شده‌اند.

اما آیا زنان از ثواب شهادت بی بهره‌اند؟

همان دینی که برای شهید این قدر ثواب بیان کرده است، برای زنان هم، راهی را قرار داده است تا به ثواب هزار شهید برسند.

اینجا دیگر آن خانم به سخنان من علاقمند شده بود و با دقت گوش می‌کرد.

من ادامه دادم که در حدیث آمده است:

چند گروه از زنان در روز قیامت با حضرت زهرا علیها السلام محشور می‌شوند و خداوند ثواب هزار شهید به آنها می‌دهد.

یکی از آن زنان، زنی است که بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند.^{۵۹}

آیا می‌دانی اگر بر این بد اخلاقی شوهرت صبر کنی خداوند ثواب هزار شهید به تو می‌دهد؟

آیا این مقدار ثواب، کم است؟

به راستی بقای کانون خانواده این قدر برای خداوند مهم است که حاضر است ثواب هزار شهید را به آن زنی بدهد که تلاش می‌کند تا یک خانواده از هم نپاشد.

شما در کجای دنیا می‌توانید چنین اهمیتی را که اسلام به خانواده داده است، بیابید!

آری، زنی که در زندگی خود با بد اخلاقی شوهر خود می‌سازد و نمی‌گذارد فرزندان او به «بچه‌های طلاق» تبدیل شوند، فداکاری بزرگی می‌کند و خداوند نیز در مقابل این فداکاری، ثواب هزار شهید به او می‌دهد.

با شنیدن این سخنان، آن خانم به زندگی خود بازگشت.

ثواب هزار شهید می‌خواهی؟

من دیگر خسته شده‌ام، نمی‌توانم با این مرد زندگی کنم، می‌خواهم طلاق بگیرم.

این سخنان خانمی بود که برای مشاوره پیش من آمده بود و تصمیم گرفته بود تا به زندگی زناشویی خود خاتمه ببخشد.

من هر چه با او سخن گفتم که در تصمیم خود عجله نکن، او قبول نمی‌کرد.

آخر به او گفتم که شوهر شما چه مشکلی دارد که می‌خواهی از او جدا شوی؟

او چنین گفت: «شوهر من خیلی بد اخلاق است، در خانه همیشه فریاد می‌کند، در این دو سال زندگی اصلاً با من خوش اخلاقی نکرده است».

من رو به آن خانم کردم و گفتم که آیا می‌دانی که شهید چقدر مقام دارد؟ او با تعجب به من گفت که من از اخلاق بد شوهرم به تنگ آمده‌ام تو به

من می‌گویی که شهید چقدر ثواب دارد؟

من به او گفتم: کمی صبر داشته باش.

شهید کسی است که به بالاترین فضیلت رسیده است و نزد خدا مقامی

بس بزرگ پیدا کرده است.

آری، بهترین شفیع زن در قبر، رضایت شوهرش می باشد!
امام باقر علیه السلام ادامه می دهد:

وقتی که حضرت زهرا علیها السلام از دنیا رفت، حضرت علی علیه السلام او را به خاک سپرد.

بعد از اینکه مراسم به خاک سپاری حضرت زهرا علیها السلام تمام شد حضرت علی علیه السلام، کنار قبر همسر خود ایستاد و رو به آسمان کرد و با خدا چنین سخن گفت:

بار خدایا!

من از دختر پیامبر تو راضی هستم. ۶۱

حضرت علی علیه السلام می داند که در آن لحظه هیچ چیز به اندازه رضایت شوهر، برای حضرت زهرا علیها السلام مفید نیست برای همین این دعا را می کند!
خواهرم!

به حق حضرت زهرا علیها السلام، به گونه ای زندگی کن که شوهر شما هم همین دعا را برایت بکند!

چقدر خانم ها را دیده ام که چون از قبر و قیامت می ترسند، کارهای مستحبی زیادی انجام می دهند، در حالی که حقوق واجب شوهر خود را مراعات نمی کنند!

بعضی از آقایان به من مراجعه کرده اند و پیش من درد دل کرده اند که زن من هر شب چهارشنبه، به جمکران می رود، و من از این کار او ناراضی هستم، اما هر چه به او می گویم که من راضی نیستم، او گوش نمی کند.

آخر کجا امام زمان علیه السلام، راضی است که زن بدون اجازه شوهر به جمکران برود؟

آخر ما با این دردهای جامعه خود چه کنیم؟ با چه کسی سخن بگوییم؟ چرا بعضی از زنان جامعه باید این چنین از وظیفه خود بی اطلاع باشند!

بهترین شفیع برای یک خانم

آیا این صدا را می شنوی؟

من خانه تنهایی هستم، من خانه تاریکی هستم!

این صدای قبر من و تو است که هر روز این ندا را می دهد!

امام صادق علیه السلام فرمود که قبر هر روز این چنین سخن می گوید. ۶۰

اما آیا برای تاریکی قبر فکری کرده ایم؟

ما سفری در پیش رو داریم که دیر یا زود فرا می رسد و باید برای خود زاد و توشه ای داشته باشیم.

شما فکر می کنید بهترین چیز برای انسان در آن لحظه چه می باشد؟

آن لحظه ای که همه، ما را تنها می گذارند.

همه دوستان و آشنایان، بعد از اینکه ما را به خاک سپردند به منزل

برمی گردند و ما می مانیم و یک دنیا تنهایی و تاریکی!

خواهرم!

آیا می خواهی سخن امام باقر علیه السلام را برایت ذکر کنم؟

آن حضرت در حدیثی فرمود که در شب اول قبر، هیچ چیز برای زن،

بهرتر از رضایت شوهرش نیست!

از آن زمانی که عشقِ بدون معرفت، گریبان‌گیر جامعه ما شد، از آن زمان که ما به دنبال کسب معرفت نرفته، اهل عرفان شدیم، این بلاها بر سر ما آمد.

خواهر من!

اگر می‌خواهی خدا به تو رحم کند،

اگر می‌خواهی برای سفر قبر و قیامت خود کاری کنی،

اگر می‌خواهی شب اول قبر شب راحتی تو باشد،

اگر می‌خواهی امام زمان علیه السلام از تو راضی باشد،

کاری کن که شوهرت از تو راضی باشد.

اما ای آقای محترم، با شما هستم،

می‌دانم که همسرت را خیلی دوست داری!

او در زندگی شما خیلی زحمت می‌کشد و برای راحتی شما چه

سختی‌ها را تحمل می‌کند!

بیا الان، عهدی با خودت ببند!

اگر تقدیر این گونه بود که بعد از صد سال، همسر تو زودتر از تو جان به

جان آفرین تسلیم کرد، همان کاری که حضرت علی علیه السلام انجام داد، تو هم

انجام بده.

تو نباید بعد از آنکه همسر مهربانت را دفن کردند زود به خانه برگردی!

اگر می‌خواهی به همسرت کمکی کرده باشی، اگر می‌خواهی که زحمات

او را بی‌پاسخ نگذاری! باید این کاری را که می‌گویم بکنی!

در این لحظه حساس، همسر تو محتاج آن دعای توست!

شاید هم از او در زندگی مشترک مقداری گِله داشتی اما دیگر وقت این

حرفها نیست!

خودت را جای او بگذار!

تو باید او را کمک و یاری کنی! او سخت‌ترین لحظه‌ها را سپری می‌کند! آری، تو وضو می‌گیری و می‌آیی کنار قبر همسر خود می‌ایستی و دست‌هایت را به سوی آسمان بلند می‌کنی و چنین می‌گویی:

خدایا!

من از همسر خود راضی هستم!

و چون خداوند این سخن تو را می‌شنود رحمت را بر همسر تو نازل

می‌کند.

هیچ وقت نگو که خدا می‌داند که من از او راضیم.

مگر خدا نمی‌دانست که حضرت علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام راضی

است، اما در گفتن این جمله کنار قبر، رازی نهفته است که حضرت

علی علیه السلام، همین جمله را کنار قبر همسرش می‌گوید.

حتماً تو همین سؤال را می‌کنی، مگر زیارت کربلا مورد تأکید واقع نشده است، پس چرا امام صادق علیه السلام این گونه سخن می‌گوید؟ علت آن این است که در کربلا باید همواره غمناک باشی و در آن سرزمین خنده نکنی و عطر نزنی و...

به هر حال، چون زائر واقعی امام حسین علیه السلام می‌خواهد از کربلا برگردد فرشته‌ای او را ندا می‌کند که خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد.

اما آیا می‌دانی وقتی مادری نوزاد خود را بزرگ کرده و آن نوزاد از شیر گرفته شد فرشته‌ای می‌آید و خطاب به مادر می‌کند و با او سخن می‌گوید. خواهرم!

آیا آن صدا را شنیده‌ای؟

آن فرشته چه می‌گوید؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که آن فرشته چنین می‌گوید:

خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد. ۶۳

آری، مادری که فرزند خود را یک سال و نیم یا بیشتر شیر داده است، شایسته دریافت جایزه بزرگی است!

و خداوند همان جایزه‌ای را که به زائر کربلا می‌دهد به این مادر می‌دهد. خواهرم!

آیا باز هم می‌گویی که خدا بین مردان و زنان فرق گذاشته است؟

و تو می‌دانی که من نمی‌خواهم ثواب زیارت کربلا را کم‌رنگ کنم بلکه من می‌خواهم ثواب شیر دادن به فرزند را برایت بیان کنم.

تو باید در هنگامی که به فرزند خویش شیر می‌دهی چنان احساس غرور و افتخار کنی که همه حسرت آن احساس درونی تو را داشته باشند.

خدا همه گناهان تو را بخشید!

آیا تا به حال کربلا رفته‌ای؟

السلام علیک یا ابا عبد الله!

خوشا به حالت آن وقتی که در «بین الحرمین» قدم بر می‌داشتی و زمزمه می‌کردی:

گرد حرم دویده‌ام صفا و مروه دیده‌ام

هیچ کجا برای من کرب و بلا نمی‌شود

حال اگر کربلا رفتی و آداب این سفر را مراعات کردی خداوند ثواب زیادی به تو می‌دهد.

سخن گفتن در مورد آداب کربلا، نیاز به فرصت دیگری دارد ولی در اینجا به این نکته اشاره می‌کنم که امام صادق علیه السلام خطاب به آنان که کربلا می‌روند اما آداب این سفر را رعایت نمی‌کنند فرمود:

اگر به کربلا نروید بهتر است. ۶۲

یکی از یاران امام صادق علیه السلام، چون این سخن را از آن حضرت شنید عرض کرد:

مولای من! با این سخن کمر مرا شکستی؟ چرا این چنین سخن

می‌گویی؟

شوهر ندادن دیگر این قدر بزرگ نمایی ندارد؟
آیا موافقی حدیث رسول خدا ﷺ را برای تو بخوانم:
آن حضرت فرمود:

هر زنی که به شوهر خود، آب گورا بدهد و او را سیراب سازد بداند
که این کار او از یک سال عبادت بهتر است.^{۶۴}
یک سال عبادتی که شب‌ها تا به صبح مشغول نماز باشد و روزها روزه
بگیرد!

خواهرم!
حتماً تعجب کردی که چرا پیامبر ﷺ یک لیوان آب دست شوهر دادن
را بالاتر از یک سال نماز شب خواندن و یک سال روزه گرفتن می‌داند!
تعجب نکن!
نگاهی به جامعه فعلی ما بینداز، بین آمار طلاق چقدر بالا رفته است!
بین همه هشدار می‌دهند که در جامعه باید کانون خانواده‌ها را استحکام
بخشید!

آری، این کلام رسول خدا ﷺ را باید زنانی بشنوند بدترین رفتار را با
شوهر خود دارند!
اگر زنانی که مشتاق کمال معنوی هستند این حدیث را بشنوند حتماً
سعی می‌کنند که بهتر شوهر داری بنمایند.
خواهرم!

ممکن است شوهر شما صبح با حالت قهر و غضب خانه را ترک کرده
باشد و واقعاً هم حق با شما باشد اما شما برای این که ثواب یکسال روزه و
نماز شب را داشته باشید، بزرگواری کن و با یک لیوان شربت، از شوهر
خود پذیرایی کن!

تو این کار را به خاطر خدا و به خاطر خودت، انجام بده!
آری، من نمی‌گویم به خاطر شوهرت، من می‌گویم چه طور شما در دل

لیوان آبی که عبادتی بزرگ است!

همسر تو از صبح زود به محل کار رفته است و چه زحماتی را کشیده تا
بتواند زندگی بهتری برای خانواده خود فراهم کند.
اکنون دیگر نزدیک است که به خانه برگردد.
چه چیزی می‌تواند خستگی او را بر طرف کند؟
آیا چیزی جز محبتی که از همسر خود می‌بیند می‌تواند این خستگی را
از دل و جان او بزداید؟
شوهرت به خانه آمده است و تو مثل همیشه یک فنجان چای یا یک
لیوان نوشیدنی برای او می‌آوری!
شوهرت این چای یا نوشیدنی را در دست تو می‌بیند که با چه عشقی به
او تقدیم می‌کنی.

و شاید به من بگویی: «من هم خسته‌ام، در خانه کار زیاد انجام داده‌ام،
خوب چه اشکال دارد آقای شوهر، خودش برود و چای بریزد و
بخورد؟».

من در جواب تو می‌گویم:

اشکالی ندارد اما من دوست ندارم تو یک ضرر بزرگ بکنی!
و حتماً با خود می‌گویی یک لیوان آب یا یک فنجان چای دست

شب، وقتی همه خواب هستند بلند می شوی وضو می سازی و رو به قبله می ایستی و نماز شب می خوانی، آیا قصد قربت نمی کنی؟
 یک لیوان شربت خوشمزه آماده کن و آن را پیش شوهرت ببر!
 نگو من کوچک می شوم، تو داری با خدا معامله می کنی، چه کار به این داری که شوهرت چه فکری می کند.
 اکنون به جاست که به تو بگویم: «عبادت قبول!».
 آری، این یک لیوان شربت که به دست شوهرت دادی عبادت بود، آن هم چه عبادتی!
 به امید آن روزی که همه زنان جامعه ما محبت به همسر را از بزرگترین عبادتها بدانند.

بهترین راه آمرزش گناهان

همه ما می دانیم که گناه و معصیت، روح انسان را آلوده می کند و مانع بزرگی برای رشد و کمال او محسوب می شود.
 گناه باعث سیاهی قلب انسان می گردد، به طوری که دیگر او لذت مناجات با خداوند را درک نمی کند و نمی تواند با او معاشقه نماید و در درگاه او قطره اشکی بریزد.
 این گناه است که انسان را از نماز شب محروم می دارد و هم چنین مانع باریدن باران می شود و موج بلا را به سوی انسان می کشاند.^{۶۵}
 به همین دلیل انسان باید برای بخشش گناهانش فکری بکند تا اثرات آن بیش از این در زندگی او باقی نماند.
 البته گناهایی که مربوط به حق الناس است باید نسبت به پرداخت حق مردم اقدام نمود، اما سؤال این است گناهایی را که مربوط به حق الله است چگونه از پرونده اعمال خود پاک کنیم؟
 خواهرم!
 آیا اطلاع دارید پیامبر ﷺ خدمت کردن به همسر را به عنوان یکی از مهم ترین عوامل بخشش گناهان معرفی کرده است؟
 آن حضرت فرمود:

چون زنی به شوهر خود آب گوارایی بدهد خداوند شصت گناه او را می‌بخشد.^{۶۶}

آری، اگر چشم باطن می‌داشتی می‌دیدی که چگونه گناهانت هنگامی که به شوهر خود خدمت می‌کنی از وجودت فرو می‌ریزد. در آن موقع که با عشق، به همسر خود خدمت می‌کنی، دقت کن که چگونه در وجودت نشاط و شادمانی موج می‌زند و گویی که روحت سبک شده است.

این نشاط و سبکی برای این است که روح تو از تیرگی گناهان پاک شده است، گویی آن زنجیرهایی که از گناهان به پای روح شما بسته شده بود باز شده و برای همین است که روح تو می‌تواند آزادانه پرواز کند.

تصور کنید یک نفر مثلاً یک هفته بدن خود را شستشو نداده حال که بعد از یک هفته به حمام می‌رود و بدن خود را تمیز می‌کند یک احساس سبکی و راحتی به او دست می‌دهد، چون که بدنش تمیز شده و آلودگی‌ها از آن پاک شده است.

همین طور وقتی شما برای همسر خود یک نوشیدنی می‌بری و خدمت او را می‌کنی، گناهان از صفحه روح شما زوده می‌شود، در نتیجه شما احساس سبکی و نشاط می‌کنی.

خلاصه کلام آنکه همانطور که اسلام نماز و روزه، استغفار، دعا و گریه را برای پاک شدن گناهان معرفی می‌کند خدمت کردن به شوهر را به عنوان یکی از بهترین راههای بخشش گناه اعلام می‌نماید.

پس برای این که به بخشش الهی برسی به شوهر خود توجه بیشتری کن و تمام عشق و محبتی را که انتظارش را داری، به همسر خود هدیه کن تا طوفانی سهمگین بر برگ برگ گناهانت وزیدن کند و مشمول بخشش بی انتهای خداوند شوی.

اتاق تنهایی شوهرت را بشناس!

وقتی برای تو مشکلی پیش می‌آید چه کار می‌کنی؟ درست است، تلاش می‌کنی تا یک نفر را بیابی که با او درد دل کنی و از این راه، مقداری آرام بشوی.

آری، برای زنان، درد دل کردن یک نیاز طبیعی برای رفع فشارهای روحی می‌باشد.

برای همین است که وقتی متوجه می‌شوی برای شوهرت مشکلی پیش آمده است نزد او می‌روی تا با او سخن بگویی، چون فکر می‌کنی او هم مثل تو نیاز به همدم دارد.

اما این کار تو نه تنها به شوهرت کمکی نمی‌کند بلکه موجب آزار او می‌شود.

حتماً تعجب می‌کنی!

آری، جای تعجب هم دارد و تو نمی‌دانی که چقدر خانواده‌ها به خاطر ندانستن این موضوع با مشکل روبرو شده‌اند.

حالا من می‌خواهم یک «راز مردانه» را یاد تو بدهم و فکر نمی‌کنم شوهرت تا به حال آن را به تو گفته باشد.

وقتی یک مرد با مشکلی روبرو می‌شود دوست دارد به گوشه تنهایی برود و در پشت دیوار سکوت پناه بگیرد.

آری، حتماً دیده‌ای که شوهرت از محل کار به خانه آمده است و در دنیای خود فرو رفته است!

درست این همان لحظه‌ای است که شوهر شما به «اتاق تنهایی» خود رفته است.

تو باید بدانی که شوهر شما به جای آنکه با دیگران درد دل کند دوست دارد در تنهایی، به مشکل خود فکر کند و خودش راه حلی پیدا کند و وقتی به راه حل مفیدی رسید و به آرامش خود دست یافت از آن حالت انزوا خارج می‌شود.

آری، زنان با همصحبتی با دیگران به آرامش می‌رسند اما مردان با فکر کردن و یافتن راه حل است که به آرامش می‌رسند.

پس بگذار شوهرت در مسیر یافتن راه حل گام بردارد و چون راه حل مشکل خود را یافت و به آرامش رسید خودش سراغ تو خواهد آمد.

او در موقعی که در اتاق خلوت خودش است ۹۵٪ حواسش به مشکلی که می‌باشد و برای همین نمی‌تواند در این لحظه، نیاز محبت تو را پاسخ بدهد.

تو باید در این موقع صبر کنی و نگران هم نشوی و بدانی که این حالت شوهرت کاملاً طبیعی است.

به زودی او از اتاق خلوت خود بیرون می‌آید و دوباره همان شوهر مهربان تو می‌شود به شرط این که او را مقداری، راحت بگذاری.

پس به من قول بده وقتی دیدی شوهرت، در فکر فرو رفته است، لحظاتی او را به حال خودش بگذاری و این قدر نگران نشوی.

از امروز دیگر از این رفتار شوهر خود نگران نمی‌شوی چون آن را طبیعی می‌دانی و خوب می‌دانی که اگر شوهرت در دنیای خود فرو رفته است به هیچ وجه از تو و زندگی تو ناراحت نیست بلکه دارد در اتاق تنهایی خود سیر می‌کند و به زودی به اتاق عشق باز خواهد گشت.

سکوت شوهرت را درست معنی کن!

حتماً در زندگی شما پیش آمده است که شوهر شما مدتی در سکوت فرو رفته است.

من زنان زیادی را دیده‌ام که سکوت شوهر خود را این گونه معنی کرده‌اند: «شوهر من با این کار به من پیام می‌دهد که دیگر از من سیر شده است».

وقتی مردان می‌فهمند که همسرشان سکوت آنها را این گونه معنی کرده نزدیک است که از تعجب شاخ در بیاورند!

اما علت این که زنان سکوت شوهر خود را این گونه تفسیر می‌کنند چیست؟

وقتی در ویژگی زنان دقت می‌کنیم می‌بینیم که یک زن، زمانی سکوت می‌کند که طرف مقابل خود را قابل اعتماد نمی‌یابد و برای همین خیال می‌کند اگر شوهر او سکوت کرده برای این است که به او اعتماد ندارد.

اما این فکر غلطی است چون سکوت زن و مرد با هم فرق دارد. آری، زن سکوت می‌کند چون به طرف مقابل خود اعتماد ندارد، اما مرد سکوت می‌کند چون می‌خواهد فکر کند و راه حلی پیدا کند. جالب است بدانید که مرد با سکوت، فکر می‌کند اما زن با سخن گفتن، فکر می‌کند.

خوب است مقداری در این باره توضیح بدهم:

آیا می‌دانید هدف زنان از سخن گفتن چیست؟

جواب این سؤال خیلی عجیب است: هدف زنان از سخن گفتن، رسیدن به چیزهایی است که مردان برای رسیدن به همان چیزها سکوت می‌کنند. اینجاست که مرد و زن باید ویژگی‌های یکدیگر را خوب بشناسند تا بتوانند زندگی سعادت‌مندی داشته باشند.

در اینجا به دو هدف مشترکی اشاره می‌کنم که زن و مرد برای رسیدن به آنها، دو راه متفاوت طی می‌کنند:

الف. فکر کردن و پردازش نمودن اطلاعات

هنگامی که در زندگی و یا کار یک مرد مسأله‌ای پیش می‌آید که باید در مورد آن فکر شود، مرد سکوت می‌کند و به فکر کردن و پردازش اطلاعات می‌پردازد.

اما درست در همین شرایط، زن نیاز دارد تا یک نفر را پیدا کند و با او سخن بگوید و به این وسیله پردازش اطلاعات نماید.

ب. رسیدن به آرامش و بدست آوردن روحیه خوب.

مرد وقتی با ناراحتی و نگرانی روبرو می‌شود سکوت می‌کند و می‌خواهد از این راه به آرامش برسد و از فشار نگرانی خود فرار کند. اما زن، هنگامی که با استرس روبرو می‌شود شروع به سخن گفتن می‌کند.

خواهرم!

اکنون هرگاه دیدی که شوهر تو سکوت اختیار کرده است این‌گونه به او کمک کن:

الف. از حالت سکوت و خاموشی او انتقاد نکن.

ب. کوشش نکن تا با سخنان خود او را در حل مشکلش، یاری نمایی.

ج. انتظار نداشته باش که در این شرایط، او احساسات خود را برای شما بیان کند.

د. خونسردی خود را حفظ کن.

وقتی شوهرت از تو فاصله می‌گیرد

بارها پیش آمده است دیده‌ای که شوهرت، به یکباره، نسبت به تو بی‌خیال و بی‌احساس می‌شود.

آقای شوهر از تو فاصله می‌گیرد و دیگر توجهی به تو نمی‌کند.

هر چه فکر می‌کنی که چه اشتباهی مرتکب شده‌ای به نتیجه‌ای نمی‌رسی.

اما بعد از مدتی می‌بینی که سر و کله همان آقای شوهر مهربان پیدا شد. خواهرم!

آیا می‌دانی همه مردان دنیا این طوری هستند؟

این یک ویژگی مردانه است، خوب گوش کن!

ما مردان، گاهی از چیزهای مورد علاقه خود فاصله می‌گیریم اما بعد از مدتی با عشق بیشتری به سوی آنها باز می‌گردیم.

پس اگر شوهر تو هم مثل بقیه مردان، گاهی از تو فاصله می‌گیرد نگران نباش!

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون شوهرشان از آنها فاصله گرفته است نگران شده‌اند.

آری، یک زن فقط وقتی از شوهر خود فاصله می‌گیرد که از او رنجیده باشد برای همین زن خیال می‌کند اکنون که شوهرش از او فاصله گرفته پس حتماً از او رنجیده شده است.

نه، این طور نیست، ممکن است اصلاً شوهرتان از شما رنجیده نشده باشد اما نیاز داشته باشد مدتی از شما فاصله بگیرد.

و حق داری بگویی که دنیای شما مردان دنیای عجیبی است!
تو باید این مطالب را بدانی!

تو می خواهی یک عمر با شوهرت زندگی کنی پس چقدر ویژگی های او را می شناسی؟

گاهی مرد بدون آن که خودش هم دلیل آن را بداند احساس می کند که باید از همسرش فاصله بگیرد اما بعد از مدتی دوباره به سوی همسرش بر می گردد و با شدت بیشتری به او اظهار علاقه می کند.

شما باید بدانید که او از شما فاصله می گیرد تا استقلال خود را به دست آورد.

در صورتی که شما شوهر خود را از نیاز خود محروم کنید در واقع فرصت اندیشه کردن درباره عشق را از او گرفته اید.

شوهر شما وقتی در عشق ورزی به کمال رسید بعد از مدتی، یاد استقلال خود می افتد و برای رسیدن به آن استقلال از شما فاصله می گیرد.

شما نباید از چیزی بترسید، مقداری صبر کنید وقتی نیاز او به استقلال ارضاء شد، آن وقت می بینی با دنیایی از عشق به سوی شما باز می گردد.

برای همین اگر گاهی شوهرتان خواست بدون شما و با دوستان خود به گردش برود به او این اجازه را بده تا نیاز او به عشق ورزیدن به تو زنده

شود.^{۶۷}

چند پیشنهاد برای خانم ها

۱. سعی کنید لطافتی را که در بوی خوش نهفته است کشف کنید. مجموعه ای از عطرهاى خوب تهیه کنید و هر شب، یکی از آنها را استفاده کنید و از شوهرتان بخواهید تا به شما بگوید از کدام عطر بیشتر خوشش می آید.
وقتی که متوجه شدید که شوهر شما با چه عطری بیشتر ذوق می کند همواره آن عطر را استفاده کنید.

۲. وقتی قرار است مهمان بیاید خانه را به چه شکلی در می آوری؟ همین امشب همه آن کارها را انجام بده! خانه را مرتب کن و شام خوشمزه ای تهیه کن!

زیباترین لباس خود را بپوش!
اگر بتوانی چند شاخه گل روی میز بگذار.
شوهرت وارد خانه می شود و سؤال می کند که آیا امشب مهمان داریم؟
و تو می گویی:

«بله، عزیزترین عزیزانم مهمان من است!».

و با دست اشاره به شوهرت می کنی!

آری، تو بهترین مهمانی هستی که خدا به من داده است.

۳. راه نفوذ بر قلب شوهر، چشم اوست، پس تلاش کن که او را از راه آنچه می بیند مجذوب خود کنی!

امروز به مغازه برو و چند شمع بزرگ و زیبا خریداری کن!
نور شمع یکی از راههای آسان و مؤثر برای ایجاد محیط صمیمی است.
اگر به رستورانهای درجه یک رفته باشی می بینی که آنها با روشن کردن
چند شمع و استفاده از نور آن، محیطی دوستانه و پر از لطافت به وجود
می آورند!

ساعتی را مشخص کن به عنوان ساعت عشق و مکان خاصی از خانه را به
عنوان اتاق عشق!

شمع ها را آنجا روشن کن!

و شوهرت را به آنجا دعوت کن!

نور ملایم شمع بر آن فضا می تابد و شوهر شما وارد آنجا می شود.

آیا می دانی اگر مرد در چنین محیطی قرار بگیرد بی درنگ احساس
آرامش می کند!

نور شمع باعث می شود تا حالتی خوشحال کننده پیش بیاید!

شوهر شما سؤال می کند که این کارها برای چیست؟ و شما در جواب
می گویی:

«نور قرمز شمع، نور عشق است، و از قلب من، همواره نور عشق بر
وجود تو می تابد».

۴. برای آن که یک احساس خوب به شوهرتان بدهید لازم نیست
کارهای زیادی انجام دهید، آری، گاه یک لبخند، یک بوسه کفایت می کند،
در این جاست که شوهر شما به زندگی خود می بالد.

شما باید بدانید به خاطر خوشبختی خودتان هم که شده باید همسر شاد
و خوشحالی داشته باشید برای همین تلاش کنید تا اسباب شادمانی او را
فراهم سازید.

در درون شوهر شما، کودک کم سن و سالی است که نیاز به مراقبت دارد،
شما باید آن کودک درون همسر خود را نوازش کنید.

شاید باور نکنید وقتی شوهر شما خسته از محل کار بر می گردد و شما به
استقبال او می روید و یک فنجان چای تازه دم به او می دهید، چقدر

شوهرتان احساس خوشبختی می کند.

۵. وقتی شوهرتان از محل کار به خانه می آید بد اخلاقی را کنار بگذارید
و سعی کنید به روی او لبخند بزنید.

عادت کنید که به مدت یک ساعت بعد از آمدن شوهرتان به خانه، هیچ
حرف ناخوشایندی نزنید.

او نیاز به استراحت فکر دارد، بگذارید مقداری ذهن او آرام بگیرد، بعد
از یک ساعت اگر حرفی دارید با او در میان بگذارید.

۶. آیا می دانید بهترین زنان چه کسی است؟

امام صادق علیه السلام می فرماید:

بهترین زنان زنی است که چون با شوهرش خلوت کند لباس حیا را

از تن بکند و چون از خانه بیرون رود، لباسی از حیا و عفت بر تن
کند.^{۶۸}

آری، حیا و عفت چیز خوبی است اما نه در مقابل شوهر خودت!
این دستور اسلام است که زن هنگامی که با شوهر خود خلوت می کند،
بایستی برای شوهر خود طنازی و عشوه گری کند و هر گونه پرده و
حجاب میان خود و شوهرش را بردارد.

او باید حالت خجالت را در هنگامی که با شوهر است کنار بگذارد تا
غریزه جنسی شوهر او به شکلی حلال و کامل و درست اشباع گردد در این
صورت است که وقتی مرد به محل کار می رود دیگر هیچ مجالی برای
توجه به زنان دیگر پیدا نمی کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین زنان را زنی معرفی می کند که نسبت به شوهر خود
حالت شهوت بیشتری داشته باشد.^{۶۹}

۷. از باغچه خانه خود مقداری گل زیبا و خوش بو بچین.

شاید هم اصلاً خانه شما باغچه ای ندارد، خوب اشکال ندارد می توانی
چند شاخه گل از گل فروشی خریداری کنی.

شب که شد قبل از اینکه شوهر شما به بستر برود گلبرگ های آن گل ها را
بر روی بستر او بپاش.

هنگامی که همسر شما می‌آید تا استراحت کند به او این چنین بگو:
«زندگی کردن با تو برایم مانند بستری از گلهای زیباست».
اکنون در بستری از گلبرگ در کنار همسر خود باشید و از کنار هم بودن لذت ببرید.
گلبرگ گل‌ها می‌تواند خستگی‌های همسرتان را بر طرف کند و به او انرژی مثبت و شادمانی بدهد.
امیدوارم این کتاب توانسته باشد محبت شما را نسبت به همسرتان، زیاده‌تر نموده و کانون خانواده شما را پر از عطر خوش عشق و دوستی کرده باشد.

«پایان»

پی‌نوشت‌های

تحقیقی، حدیثی

- ١ . الإمام الصادق عليه السلام: «الكاذب على عياله كالمجاهد في سبيله»: الكافي ج ٥ ص ٨٨، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ٣ ص ١٦٨، وسائل الشيعة ج ١٧ ص ٦٧، مستدرک الوسائل ج ٧ ص ٣٧٨، بحار الأنوار ج ٩٣ ص ٣٢٤.
- ٢ . رسول الله ﷺ: «إن صبر المسلم في بعض مواطن الجهاد يوماً واحداً خير له من عبادة أربعين سنة»: مستدرک الوسائل ج ١١ ص ٢١، شرح نهج البلاغة ج ١٠ ص ٣٩.
- ٣ . رسول الله ﷺ: «...إن العمرة خير من الدنيا وما فيها...»: مجمع الزوائد ج ٣ ص ٧٤، المعجم الكبير ج ٩ ص ٤٤، كنز العمال ج ٧ ص ٦٠١.
- رسول الله ﷺ: «العمرة كفارة لكل ذنب...»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٢٢٠، وسائل الشيعة ج ١٤ ص ٣٠١.
- ٤ . رسول الله ﷺ: «...من كان في خدمة عياله في البيت ولم يأنف، كتب الله اسمه في ديوان الشهداء...» وكتب له بكل قدم ثواب حجة وعمرة»: مستدرک الوسائل ج ١٣ ص ٤٨، بحار الأنوار ج ١٣٢١٠١، جامع أحاديث الشيعة ج ١٢ ص ٤٠٣، جامع السعادات ج ٢ ص ١٠٩.
- ٥ . دخل رسول الله ﷺ على علي عليه السلام فوجده هو وفاطمة عليهما السلام يطحنان في الجاروش، فقال النبي: أَيْكَمَا أَعْيَى؟ فقال علي: فاطمة يا رسول الله، فقال لها: قومي يا بنية. فقامت وجلس النبي موضعها مع علي فواساه في طحن الحب: بحار الأنوار ج ٤٢ ص ٥١.
- ٦ . إذا أردت زيارة الرضا عليه السلام بطوس فاغتسل عند خروجه عن منزلك وقل حين تغتسل: اللَّهُمَّ طَهِّرْني وطَهِّرْ قلبي... وَسِرِّ حَتَّى تَقِفَ على قبره عليه السلام وتستقبل وجهه بوجهك، واجعل القبلة بين كتفيك، وقل: أشهد أن لا إله إلا الله... وارزقني بهم خير الدنيا والآخرة:

عیون أخبار الرضا عليه السلام ج ۱ ص ۳۰۲.

۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: «... لا يخدم العيال إلا صديق أو شهيد أو رجل يريد الله به خير الدنيا والآخرة»: مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۴۸، بحار الأنوار ج ۱۰۱ ص ۱۳۲، جامع أحاديث الشيعة ج ۱۲ ص ۴۰۳.
۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: «قول الرجل للمرأة إني أحبك لا يذهب من قلبها أبداً»: الكافي ج ۵ ص ۵۶۹، وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۲۳.
۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: «جلوس المرء عند عياله أحب إلى الله تعالى من اعتكاف في مسجدي هذا»: ميزان الحكمة ج ۲ ص ۱۱۸۶ (نقلاً عن تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲).
۱۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: «تهادوا تحابوا، تهادوا فإنها تذهب بالضغائن»: الكافي ج ۵ ص ۱۴۴، الخصال ص ۷۷، وسائل الشيعة ج ۱۷ ص ۲۸۷؛ رسول الله صلى الله عليه وآله: «تهادوا فإن الهدية تذهب وحر الصدر...»: فتح الباري ج ۵ ص ۱۴۵، عمدة القاري ج ۱۳ ص ۱۲۵، تحفة الاحوذى ج ۶ ص ۲۷۶، المعجم الأوسط ج ۲ ص ۱۴۶، نصب الرتبة ج ۵ ص ۲۵۶، مسند الشهاب لابن سلامة ج ۱ ص ۳۸۲.
۱۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: «إذا خرج أحدكم إلى سفر ثم قدم على أهله، فليهدم وليطرفهم ولو حجارة»: مكارم الأخلاق ص ۲۶۶.
۱۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: «إن الصدقة تطفى غضب الرب...»: قرب الإسناد ص ۷۶، النوادر للراوندي ص ۸۳؛ الإمام الصادق عليه السلام: «إن صدقة الليل تطفى غضب الرب»: الكافي ج ۹۴، تفسير العياشي ج ۲ ص ۱۰۸؛ رسول الله صلى الله عليه وآله: «الصدقة في السر تطفى غضب الرب»: المستدرک للحاكم ج ۳ ص ۵۶۸، صحيح ابن حبان ج ۸ ص ۱۰۳.
۱۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: «الصدقة تمنع سبعين نوعاً من أنواع البلاء...»: الجامع الصغير ج ۲ ص ۱۱۵، كنز العمال ج ۶ ص ۳۴۶، تاريخ بغداد ج ۸ ص ۲۰۴؛ رسول الله صلى الله عليه وآله: «الصدقة تمنع ميتة سوء...»: ثواب الأعمال ص ۱۴۰، مكارم الأخلاق ص ۳۷۸.
۱۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: «اكثرُوا الصدقة ترزقوا...»: أعلام الوری ص ۳۳۳، بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۷۶.
۱۵. الإمام الصادق عليه السلام: «الصدقة تقضي الدين وتخلص بالبركة...»: الكافي ج ۴ ص ۹، عدّة الداعي ص ۶۰، وسائل الشيعة ج ۹ ص ۳۶۷.
۱۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: «تبسّمك في وجه أخيك صدقة...»: سنن الترمذي ج ۳ ص ۲۲۸، مجمع الزوائد

ج ۳ ص ۱۳۴.

۱۷. أمير المؤمنين عليه السلام: «الصدقة دواء منجح»: الدعوات للراوندي ص ۱۸۱، نهج البلاغة ج ۴ ص ۴، دستور معالم الحكم ص ۱۶.
۱۸. سُئل رسول الله صلى الله عليه وآله: «أي الأعمال أحب إلى الله؟ قال: «اتباع سرور المسلم»: قرب الإسناد ص ۱۴۵، وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۳۵۶.
۱۹. الإمام الباقر عليه السلام: «ما عبد الله بشيء أحب إلى الله من إدخال السرور على المؤمن...»: الكافي ج ۲ ص ۱۸۸؛ الإمام الباقر عليه السلام: «إن أحب الأعمال إلى الله إدخال السرور على المؤمن...»: المحاسن ج ۲ ص ۳۸۸، بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۲۸۹؛ الإمام الصادق عليه السلام: «... وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن...»: كامل الزيارات ص ۲۷۷.
۲۰. الإمام الباقر عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «من سرّ مؤمناً فقد سرّني»: فقه الرضا عليه السلام ص ۳۷۴، الكافي ج ۲ ص ۱۸۸، وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۳۴۹.
۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: «لا يرى أحدكم إذا أدخل على مؤمن سروراً أنه عليه أدخله فقط، بل والله على رسول الله صلى الله عليه وآله»: الكافي ج ۲ ص ۱۸۹، وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۳۵۰، بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۲۹۰.
۱۲. الإمام الصادق عليه السلام: «من أدخل السرور على مؤمن، فقد أدخله على رسول الله صلى الله عليه وآله... وكذلك من أدخله كريباً»: الكافي ج ۲ ص ۱۹۲، وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۳۵۰، مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۳۹۵.
۱۳. الإمام الباقر عليه السلام: «إذا دخلت فمرهم قبل أن تصل إليك أن تكون متوضئة، ثم أنت لا تصل إليها حتى تتوضأ وتصلّى ركعتين، ثم مجّد الله وصلّى على محمّد وآل محمّد، ثم ادع الله، ومّر من معها أن يؤمّنوا على دعائك، وقل: اللهم ارزقني ألفها وودّها ورضاهما، ورضني بها، ثم اجمع بيننا بأحسن اجتماع وأسرّ اتلاف...»: الكافي ج ۳ ص ۴۸۱، دعائم الإسلام ج ۲ ص ۲۱۱، وسائل الشيعة ج ۸ ص ۱۴۴.
۱۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: «يفتح أبواب السماء بالرحمة في أربع مواضع: عند نزول المطر، وعند نظر الولد في وجه الوالد، وعند فتح باب الكعبة، وعند النكاح»: مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۱۵۲، بحار الأنوار ج ۵۶ ص ۳۵۴.
۱۵. الإمام الصادق عليه السلام: «ما أظن رجلاً يزداد في الإيمان خيراً إلا ازداد حباً للنساء»: الكافي ج ۵ ص ۳۲، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۳۸۴، وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۲۲.

۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: «ما أظن رجلاً يزداد في هذا الأمر خيراً إلا ازداد حباً للنساء»: الكافي ج ۵ ص ۳۲۱؛ الإمام الصادق عليه السلام: «كل من اشتد لنا حباً اشتد للنساء حباً...»: مستطرفات السرائر ص ۶۳۶، بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۲۸۷.

۲۷. الإمام الصادق عليه السلام: «إن النبي صلى الله عليه وآله صلى على سعد بن معاذ وقال: وافي من الملائكة تسعون ألف ملك وفيهم جبرئيل...»: الأمالي للطوسي ص ۴۳۷.

۲۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: «اهتزَّ عرش الرحمان لموت سعد بن معاذ»: صحيح البخاري ج ۲۲۷۴، صحيح مسلم ج ۷ ص ۱۵۰، مسند أبي يعلى ج ۵ ص ۳۲۹، الغدير ج ۱۰ ص ۴۳.

۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: «إن سعد بن معاذ قد مات، فقام رسول الله وقام أصحابه، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... ثم كان يأخذ يمينه السرير مرةً، ويسرة السرير مرةً، حتى انتهى إلى القبر، فنزل رسول الله حتى لحده... فلما أن سوى التربة عليه قالت أم سعد: يا سعد، هنيئاً لك الجنة، فقال رسول الله: يا أم سعد مه! لا تجزمي على ربك، فإن سعداً قد أصابه ضمة... إنه كان في خلقه مع أهله سوء»: الأمالي للصدوق ص ۴۶۸، الأمالي للطوسي ص ۴۲۸، بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۴۹.

۳۰. «إن رسول الله صلى الله عليه وآله خرج في جنازه سعد وقد شيعه سبعون ألف ملك، فرفع رسول الله رأسه إلى السماء ثم قال: مثل سعد يضم؟... إنما كان من زعارة في خلقه على أهله...»: الكافي ج ۳ ص ۲۳۶؛ الإمام الصادق عليه السلام: «إن سعد بن معاذ قد مات فقام رسول الله وقام أصحابه، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... فلما أن سوى التربة عليه قالت أم سعد: يا سعد، هنيئاً لك الجنة، فقال رسول الله: يا أم سعد مه! لا تجزمي على ربك، فإن سعداً قد أصابه ضمة... إنه كان في خلقه مع أهله سوء»: الأمالي للصدوق ص ۴۶۸، الأمالي للطوسي ص ۴۲۸، بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۴۹.

۳۱. برای شرح حال سعد بن معاذ مراجعه کنید: رجال الطوسي ص ۴۰، رجال ابن داوود ص ۱۶۸، نقد الرجال ج ۱ ص ۳۸۲، معجم رجال الحديث ج ۹ ص ۹۴، تهذيب التهذيب ج ۱ ص ۳۴۵، الثقات لابن حبان ج ۳ ص ۱۴۷، تهذيب الكمال ج ۱۰ ص ۳۰۰، الإصابة ج ۳ ص ۷۰.

۳۲. الإمام السجّاد عليه السلام: «لأن أدخل السوق ومعهم درهم ابتاع به لحماً لعيالي وقد قرموا إليه، أحب إلي من أن أعتق نسمة...»: الكافي ج ۴ ص ۱۲، بحار الأنوار ج ۲۱ ص ۵۳۴.

۳۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: «أيها الناس، من فطر منكم صائماً مؤمناً في هذا الشهر، كان له بذلك عند الله عتق

نسمة...»: الأمالي للصدوق ص ۱۵۴، فضائل الأشهر الثلاثة ص ۷۸، روضة الواعظين ص ۳۴۵، إقبال الأعمال ج ۱ ص ۲۶، بشارة المصطفى ص ۴۳۶.

۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: «من دخل السوق فاشتري تحفة فحملها إلى عياله، كان كحامل صدقة إلى قوم محابيح...»: الأمالي للصدوق ص ۶۷۲، ثواب الأعمال ص ۲۰۱، وسائل الشيعة ج ۲ ص ۵۱۴.

۳۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: «... من كان له امرأة تؤذيه لم يتقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتى تعينه وترضيه... وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذياً ظالماً...»: ثواب الأعمال ص ۲۸۴، وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۶۳، بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۳۶۳، الفصول المهمة ج ۲ ص ۳۳۷.

۳۶. «أخبرني أخي جبرئيل ولم يزل يوصني بالنساء، حتى ظننت أن لا يحل لزوجها أن يقول لها: أف»: جامع أحاديث الشيعة ج ۲ ص ۲۴۹.

۳۷. «فاشفقوا عليهن وطيبوا قلوبهن حتى يقفن معكم، ولا تكروها النساء ولا تسخطوا بهن»: جامع أحاديث الشيعة ج ۲ ص ۲۴۹، مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۵۳.

۳۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: «خيركم خيركم لأهله...»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۵۵، مكارم الأخلاق ص ۲۱۶، سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۶۳۳، سنن الترمذي ج ۵ ص ۳۶۹، الطبقات الكبرى ج ۸ ص ۲۰۵، أسد الغابة ج ۵ ص ۲۸۱، البداية والنهاية ج ۱۰ ص ۱۶۳.

۳۹. الإمام الصادق عليه السلام: «... من حسن بزه بأهل بيته، مد له في عمره»: الكافي ج ۲ ص ۱۰۵، الأمالي للطوسي ص ۲۴۵، الدرر النظيم ص ۶۳۹.

۴۰. أمير المؤمنين عليه السلام: «... وإنهن أمانة الله عندكم...»: مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۵۱، جامع أحاديث الشيعة ج ۲ ص ۲۴۸.

۴۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: «حق المرأة على زوجها أن يسد جوعتها، ويستر عورتها، ولا يقيح لها وجهاً»: الكافي ج ۵ ص ۵۱۱، تهذيب الأحكام ج ۷ ص ۴۵۷.

۴۲. أمير المؤمنين عليه السلام: «... فإن المرأة ريحانة وليست بقهرمانة...»: نهج البلاغة ج ۳ ص ۵۶، الكافي ج ۵ ص ۵۱، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۵۶، تحف العقول ص ۸۷، كنز الفوائد ص ۱۷۷، مكارم الأخلاق ص ۲۱۸، عيون الحكم والمواعظ ص ۵۲۶، كنز العمال ج ۱۶ ص ۱۸۳.

۴۳. والريحانة: كل بقل طيب الريح، واحده ريحانة: لسان العرب ج ۲ ص ۴۵۸، الريحان:

نبت طیب الرائحة: تاج العروس ج ۴ ص ۶۱، القاموس المحيط ج ۱ ص ۲۲۴، مجمع البحرين ج ۲ ص ۲۴۶.

۴۴. قال أمير المؤمنين عليه السلام في وصيته لابنه محمد ابن الحنفية: «يا بني... فدارها على كل حال، وأحسن الصحبة لها ليصفو عيشك»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۵۶، وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۶۹.

۴۵. أمير المؤمنين عليه السلام: «... وإنهن أمانة الله عندكم...»: مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۵۱، جامع أحاديث الشيعة ج ۲۰ ص ۲۴۸.

۴۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: «إنك إن شاء الله لن تنفق نفقة إلا أجرت، حتى اللقمة ترفعها إلى في امرأتك»: السنن الكبرى ص ۳۷۷.

«ومهما أنفقت فهو لك صدقة، حتى اللقمة ترفعها في في امرأتك»: صحيح البخاري ج ۶ ص ۱۸۹، مسند أحمد ج ۱ ص ۱۷۲، سنن أبي داود ج ۱ ص ۶۵۴، السنن الكبرى ج ۶ ص ۲۶۹.

۴۷. «رأيت أبا الحسن عليه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداك، اختضبت؟ فقال: نعم، إن التهينة مما يزيد في عفة النساء، ولقد ترك النساء العفة بترك أزواجهن التهينة، ثم قال: أيسرّك أن تراها على ما تراك عليه إذا أنت على غير التهينة؟ قلت: لا، قال: هو ذاك...»: الكافي ج ۵ ص ۵۶۷، وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۲۴۶، مكارم الأخلاق ص ۷۹، الحدائق الناضرة ج ۲۳ ص ۱۵۰.

۴۸. الإمام الصادق عليه السلام: «كان رسول الله ينفق في الطيب أكثر مما ينفق في الطعام...»: الكافي ج ۶ ص ۵۱۲، وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۴۶، ميزان الحكمة ج ۲ ص ۱۷۵۶.

۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: «سألت أم سلمة رسول الله عن فضل النساء في خدمة أزواجهن؟ فقال: أيا امرأة رفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً إلا نظر الله إليها...»: الأمالي للطوسي ص ۶۱۸، بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۲۵۱.

۵۰. جاء رجل إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقال: «إن لي زوجة إذا دخلت تلقني، وإذا خرجت تشيعني، وإذا رأيتني مهموماً قالت: ما يهّمك؟ إن كنت تهتم لرزقك فقد تكفل لك به غيرك، وإن كنت تهتم بأمر آخرتك فذاك الله همماً، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: إن لله عمالاً، وهذه عماله، لها نصف أجر الشهيد»: كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۳۸۹، وسائل الشيعة ج ۲ ص ۳۲.

۵۱. «قالت أم سلمة: يا رسول الله، ذهب الرجال بكل الخير، فأبي شيء للنساء المساكين؟ فقال صلى الله عليه وآله: بلى، إذا

حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم القائم المجاهد بنفسه وماله في سبيل الله، فإذا وضعت كان لها من الأجر ما لا يدري أحد ما هو لعظمه، فإذا أرضعت كان لها بكل مصة كعدل عتق محرّر من ولد إسماعيل...»: وسائل الشيعة ج ۲۱ ص ۴۵۱.

۵۲. الإمام الرضا عليه السلام: «من تصدّق وقت إفطاره على مسكين برغيف، غفر الله له ذنبه، وكتب له ثواب عتق رقبة من ولد إسماعيل»: فضائل الأشهر الثلاثة ص ۹۶، وسائل الشيعة ج ۱۰ ص ۳۱۶.

۵۳. دعائم الإسلام ج ۱ ص ۳۴۳، مستدرک الوسائل ج ۱۱ ص ۲۱، مسند أحمد بن حنبل ج ۵ ص ۳۱۴، الدر المنثور ج ۱ ص ۲۴۵.

۵۴. أمير المؤمنين عليه السلام: «كتب الله الجهاد على الرجال والنساء، فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتى يُقتل في سبيل الله، وجهاد المرأة أن تصبر على ما ترى من أذى زوجها وغيرته». وفي حديث آخر: «جهاد المرأة حسن التبعل...»: الكافي ج ۵ ص ۹، كتاب من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۴۳۹؛ رسول الله صلى الله عليه وآله: «الحجّ جهاد كل ضعيف، وجهاد المرأة حسن التبعل»: الخصال ص ۶۲، كشف الخفاء ج ۱ ص ۳۵، لسان الميزان ج ۱ ص ۱۶۸.

۵۵. الإمام الباقر عليه السلام: «لا ينبغي لامرأة أن تعطل نفسها من الحلي، ولو ان تعلق في رقبتها قلادة»: دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۶۳.

۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: «خير نسائكم الطيبة الريح...»: الكافي ج ۵ ص ۳۲۵، تهذيب الأحكام ج ۷ ص ۴۰۲، وسائل الشيعة ج ۲ ص ۳۰.

۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: «جاءت امرأة إلى رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت: يا رسول الله، ما حقّ الزوجة على زوجها؟ المرأة... عليها أن تنظف بأطيب طيبها، وتلبس أحسن ثيابها، وتزين بأحسن زينتها، وتعرض نفسها عليه غداً وعشية...»: الكافي ج ۵ ص ۵۰۸.

۵۸. الإمام الصادق عليه السلام: «أيا امرأة تطيبت لغير زوجها لم يتقبل منها صلاة...»: الكافي ج ۵ ص ۵۰۷؛ رسول الله صلى الله عليه وآله: «أيا امرأة تنظف ثم خرجت من بيتها فهي تلعن حتى ترجع إلى بيتها متى رجعت»: ثواب الأعمال ص ۲۵۹، وسائل الشيعة ج ۲ ص ۲۲۱، بحار الأنوار ج ۱۰ ص ۲۵۵.

۵۹. قال عليه السلام: «ثلاث من النساء يرفع الله عنهنّ عذاب القبر ويكون محشرهنّ مع فاطمة بنت محمد عليها السلام، امرأة صبرت على غيرة زوجها، وامرأة صبرت على سوء خلق زوجها... يعطي الله كل واحدة منهنّ ثواب ألف شهيد، ويكتب لكل واحدة منهنّ ثواب عبادة سنة»: وسائل الشيعة ج ۲ ص ۲۸۵، جامع أحاديث الشيعة

ج ۲۱ ص ۲۵۶.

۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: «إنَّ للقبر كلاماً في كلِّ يوم، يقول: أنا بيت الغربية، أنا بيت الوحشة، أنا بيت الدود، أنا روضة من رياض الجنة، أو حفرة من حفر النار»: الكافي ج ۳ ص ۲۴۲، بحار الأنوار ج ۶ ص ۲۶۷.

۶۱. الإمام الباقر عليه السلام: «... ولا شفيع للمرأة أنجح عند ربِّها من رضا زوجها، ولما ماتت فاطمة عليها السلام، قام عليها أمير المؤمنين عليه السلام وقال: اللهم إني راضٍ عن ابنة نبيِّك، اللهم إنها قد أوحشت فأنسها، اللهم إنها قد هاجرت فصلها...»: الخصال ص ۵۸۸، وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۲۲۲، بحار الأنوار ج ۷۸ ص ۳۴۵.

۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: «... لا تزورون خيراً من أن تزورون، قال: قطعت ظهري، قال: تالله إنَّ أحدكم ليذهب إلى قبر أبيه كئيباً حزيباً وتأتونه أنتم بالفقر، كلاً حتّى تأتونه شعناً غبراً»: كامل الزيارات ص ۲۵۰، المزار لابن المشهدي ص ۳۹۶، بحار الأنوار ج ۹۸ ص ۱۴۱.

۶۳. قالت أم سلمة: «يا رسول الله ذهب الرجال بكلِّ الخير، فأني شيء للنساء المساكين؟ فقال عليه السلام: بلى، إذا حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم... فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملك كريم على جنبها وقال: استأنفي العمل فقد غُفر لك»: وسائل الشيعة ج ۲۱ ص ۴۵۱.

۶۴. قال عليه السلام: «ما من امرأة تسقي زوجها شربة من ماء، إلا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهاراً وقيام ليلها»: وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۷۲، جامع أحاديث الشيعة ج ۲۰ ص ۲۳۵.

۶۵. برای اطلاع از آثار گناهان مراجعه کنید به: وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۴۵، بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۰۴.

۶۶. قال عليه السلام: «ما من امرأة تسقي زوجها شربة من ماء، إلا كان خيراً لها من عبادة سنة... غفر لها ستين خطيئة»: وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۱۷۲، جامع أحاديث الشيعة ج ۲۰ ص ۲۳۵.

۶۷. مراجعه کنید به: «زنان ونوسی ومردان مریخی»، نوشته: جان گری، ترجمه بهمن ربیعی، انتشارات خوشه، تهران، ۱۳۷۸.

۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: «خير نسائكُم التي إذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء، وإذا لبست، لبست معه درع الحياء»: الكافي ج ۵ ص ۳۲۴، وسائل الشيعة ج ۲۰ ص ۲۹.

۶۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: «العفيفة في فرجها، الغلطة على زوجها...»: النوادر للراوندي ص ۱۱۶، بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۲۳۷.

- الأولى، ١٤٢٠ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين، قمّ.
- ١٠ . تاج العروس، الزبيدي، (١٢٠٥ق)، تحقيق علي شيري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- ١١ . تاريخ بغداد، الخطيب البغدادي، (٤٦٣ق)، تحقيق مصطفى عبد القادر عطاء، الطبعة الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت.
- ١٢ . تحف العقول، ابن شعبة الحراني، (القرن الرابع) تحقيق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين، قمّ.
- ١٣ . تحفة الأحوذى، المباركفوري (١٢٨٢ق)، الطبعة الأولى، ١٤١٠ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
- ١٤ . تفسير العياشي، محمّد بن مسعود العياشي، (٣٢٠ق)، تحقيق: الحاج السيّد هاشم الرسولي المحلّاتي، مكتبة العلمية الإسلامية، طهران.
- ١٥ . تهذيب الأحكام، الشيخ الطوسي، (٤٦٠ق)، تحقيق وتعليق: السيّد حسن الموسوي، الطبعة الثالثة، ١٣٦٤ش، دار الكتب الإسلامية، طهران.
- ١٦ . تهذيب التهذيب، ابن حجر، (٨٢٥ق)، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- ١٧ . تهذيب الكمال، جمال الدين يوسف المزي، (٧٢٤ق)، تحقيق الدكتور بشّار عواد معروف، الطبعة الرابعة، مؤسسة الرسالة، بيروت.
- ١٨ . الثقات، ابن حبان (٣٥٤ق)، الطبعة الأولى، ١٣٩٣ق، مجلس دائرة المعارف بحيدر آباد، مؤسسة الكتب الثقافية، هند.
- ١٩ . ثواب الأعمال، الشيخ الصدوق، (٣٨١ق)، الطبعة الثانية، ١٣٦٨ش، منشورات الشريف الرضي، قمّ.
- ٢٠ . جامع أحاديث الشيعة، السيّد البروجردي، (١٣٨٣ق)، المطبعة العلمية، قمّ.
- ٢١ . جامع الرواة، محمّد علي الأردبيلي (١١٠١ق)، مكتبة المحمّدي.

منابع

- ١ . أسد الغابة، ابن الأثير، (٦٣٠ق)، دار الكتاب العربي، بيروت.
- ٢ . الإصابة، ابن حجر، (٨٥٢ق)، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمّد معوّض، الطبعة الأولى، ١٤١٥ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
- ٣ . إعلام الوری بأعلام الهدى، الشيخ الطبرسي، (٥٤٨ق)، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق، قمّ.
- ٤ . إقبال الأعمال، السيّد ابن طاووس، (٦٦٤ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، الطبعة الأولى، مكتب الإعلام الإسلامي، قمّ.
- ٥ . الأمالي، الشيخ الصدوق ٣٨١، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق، مؤسسة البعثة، قمّ.
- ٦ . الأمالي، الشيخ الطوسي، (٤٦٠ق)، الطبعة الأولى، (١٤١٤ق)، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، قمّ.
- ٧ . بحار الأنوار، العلامة المجلسي، (١١١ق)، الطبعة الأولى، ١٤٠٣ق، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- ٨ . البداية و النهاية، ابن كثير، (٧٧٤ق)، تحقيق: علي شيري، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ق، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- ٩ . بشارة المصطفى ﷺ، محمّد بن علي الطبري، (٥٢٥ق)، تحقيق: جواد القيومي، الطبعة

- ۲۲ . جامع السعادات، محمد مهدي النراقي (۱۲۰۹) تحقيق السيد محمد كلانتر، دار النعمان للطباعة والنشر، نجف.
- ۲۳ . الجامع الصغير، جلال الدين السيوطي، (۹۱۱ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۱ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- ۲۴ . الحدائق الناضرة، المحقق البحراني، (۱۸۶ق)، تحقيق وتعليق وإشراف: محمد تقي الإيرواني، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم.
- ۲۵ . الخصال، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم.
- ۲۶ . الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، (۹۱۱ق)، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت.
- ۲۷ . الدرّ النظيم، ابن حاتم العاملي، (۶۶۴ق)، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرسين، قم.
- ۲۸ . دستور معالم الحكم، ابن سلامة، (۴۵۴ق)، مكتبة المفيد، قم.
- ۲۹ . دعائم الإسلام، القاضي النعمان المغربي، (۳۶۳ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مؤسسة آل البيت عليه السلام بالأوفسيت عن طبعة دار المعارف في القاهرة.
- ۳۰ . الدعوات، قطب الدين الراوندي، (۵۷۳ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ق، مدرسة الإمام المهدي، قم.
- ۳۱ . الديباج على مسلم، جلال الدين السيوطي، (۹۱۱ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶ق، دار ابن عقّان للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية.
- ۳۲ . رجال ابن داوود، ابن داوود الحلّي، (۷۴۰ق)، تحقيق: السيد محمد بحر العلوم، الطبعة الأولى، منشورات الرضي، قم.
- ۳۳ . رجال الطوسي، الشيخ الطوسي، (۴۶۰ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، الطبعة الأولى، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم.
- ۳۴ . روضة الواعظين، الفتال النيشابوري، (۵۰۸ق)، تحقيق: محمد مهدي الخرسان،

- منشورات الشريف الرضي، قم.
- ۳۵ . سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزويني (۲۷۳ق) تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفكر، بيروت.
- ۳۶ . سنن أبي داوود، ابن الأشعث السجستاني، (۲۷۵ق)، تحقيق وتعليق: سعيد محمد اللحام، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- ۳۷ . سنن الترمذي، الترمذي، (۲۷۹ق)، تحقيق وتصحيح: عبد الرحمن محمد عثمان، الطبعة الثانية، ۱۴۰۳ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- ۳۸ . السنن الكبرى، البيهقي، (۴۵۸ق)، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
- ۳۹ . شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، (۶۵۶ق)، تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مؤسسة مطبوعاتي إسماعيليان، قم بالأوفسيت عن طبعة دار إحياء الكتب العربية.
- ۴۰ . صحيح البخاري، البخاري، (۲۵۶ق)، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع بالأوفسيت عن طبعة دار الطباعة العامرة بإستانبول.
- ۴۱ . صحيح مسلم، مسلم النيسابوري، (۲۶۱ق)، دار الفكر، بيروت، لبنان، طبعة مصححة مقابلة على عدة مخطوطات ونسخ معتمدة.
- ۴۲ . صفات الشيعة، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ق)، انتشارات عابدي، تهران.
- ۴۳ . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، (۲۳۰ق)، دار صادر، بيروت.
- ۴۴ . عمدة القاري، العيني، (۸۵۵ق)، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- ۴۵ . عيون أخبار الرضا عليه السلام، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ق)، تصحيح وتعليق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ۱۴۰۴ق، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بيروت.
- ۴۶ . الغدير، الشيخ الأميني، (۱۳۹۲ق)، الطبعة الرابعة، ۱۳۹۷ق، دار الكتب العربي، بيروت.
- ۴۷ . فتح الباري، ابن حجر، (۸۵۲ق) الطبعة الثانية، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت.
- ۴۸ . فصول المهمة في أصول الأئمة، الحرّ العاملي، (۱۱۰۴ق)، تحقيق محمد القائيني،

الطبعة الأولى، ۱۴۱۸ق، مؤسّسة إسلامي إمام رضا عليه السلام.

۴۹. فضائل الأشهر الثلاثة، الشيخ الصدوق (۳۸۱ق) تحقيق: غلامرضا عرفانيان، الطبعة الثانية.

۵۰. فقه الرضا، علي بن بابويه، (۳۲۹ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۶ق، مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث. قم.

۵۱. القاموس المحيط، الفيروز آبادي، (۸۱۷ق)، الطبعة الأولى.

۵۲. قرب الإسناد، الحِميري القمي، (۳۰۰ق)، مؤسّسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، قم.

۵۳. الكافي، الشيخ الكليني، (۳۲۹ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الخامسة، دار الكتب الإسلامية، طهران.

۵۴. كامل الزيارات، جعفر بن محمّد بن قولويه، (۳۶۷ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق، مؤسّسة نشر الفقاهة.

۵۵. كمال الدين وتمام النعمة، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، ۱۴۰۵ق، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.

۵۶. كنز العمال، المتقي الهندي، (۹۷۵ق)، ضبط وتفسير: الشيخ بكرى حياني، تصحيح وفهرسة: الشيخ صفوة السقا، ۱۴۰۹ق، مؤسّسة الرسالة، بيروت.

۵۷. لسان العرب، ابن منظور، (۷۱۱ق)، الطبعة الأولى، نشر أدب الحوزة، قم.

۵۸. مجمع البحرين، الشيخ الطريحي، (۱۰۸۵ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسيني، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ق، مكتب النشر الثقافة الإسلامية.

۵۹. مجمع الزوائد، الهيتمي، (۸۰۷ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق، دار الكتب العلمية، بيروت.

۶۰. المحاسن، أحمد بن محمّد بن خالد البرقي، (۲۷۴ق)، تحقيق: سيّد جلال الحسيني، دار الكتب الإسلامية، طهران.

۶۱. المزار، محمّد بن المشهدي، (۶۱۰ق)، تحقيق: جواد القيومي، الطبعة الأولى،

۱۴۱۹ق، نشر القیوم، قم.

۶۲. المستدرک، الحاكم النيسابوري، (۴۰۵ق)، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، طبعة مزيدة بفهرس الأحاديث الشريفة.

۶۳. مستدرک الوسائل، الميرزا النوري، (۳۲۰ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق، مؤسّسة آل البيت عليهم السلام، قم.

۶۴. مستطرفات السرائر، ابن إدريس الحلّي، (۵۹۸ق)، الطبعة الثانية، ۱۴۱۱، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرّسين بقم.

۶۵. مسند أبي يعلى، أبو يعلى الموصلي، (۳۰۷ق)، تحقيق حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث.

۶۶. مسند أحمد، أحمد بن حنبل، (۲۴۱ق)، دار صادر، بيروت.

۶۷. مسند الشهاب، ابن سلامة، (۴۵۴ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، الطبعة الأولى، مؤسّسة الرسالة، بيروت.

۶۸. المعجم الأوسط، سليمان بن أحمد الطبراني، (۳۶۰ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۱۵ق، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع.

۶۹. المعجم الكبير، الطبراني، (۳۶۰ق) تحقيق حمدي السلفي، دار إحياء التراث العربي، بيروت لبنان.

۷۰. معجم رجال الحديث، السيّد الخوئي، (۴۱۱ق)، الطبعة الخامسة، ۴۱۳ق، طبعة منقّحة ومزيدة.

۷۱. مكارم الأخلاق، الشيخ الطبرسي (۵۴۸ق) الطبعة السادسة، منشورات الشريف الرضي، قم.

۷۲. كتاب من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.

۷۳. ميزان الحكمة، محمّد الريشهري، تحقيق دار الحديث، الطبعة الأولى، دار الحديث.

۷۴. نصب الرایة، کمال الدین الزیعلی (۷۶۲ق)، تحقیق ایمن صالح شعبان، دار الحدیث القاهرة، مصر.

۷۵. نقد الرجال، التفرشی (القرن الحادی عشر)، الطبعة الأولى، ۱۴۱۸ق، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.

۷۶. نوادر الراوندي، فضل الله الراوندي، (۵۷۱ق)، تحقیق سعید رضا علی عسکری، الطبعة الأولى، دار الحدیث، قم.

۷۷. نهج البلاغة، شرح: الشیخ محمد عبده، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲ق، دار الذخائر، قم.

۷۸. وسائل الشیعة، الشیخ الحرّ العاملي، (۱۱۰۴)، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ق، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث، قم.

بیوگرافی نویسنده

دکتر مهدی خدّامیان آرنی به سال ۱۳۵۳ در شهرستان آران و بیدگل - اصفهان - دیده به جهان گشود. وی در سال ۱۳۶۸ وارد حوزه علمیه کاشان شد و در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علامه طباطبائی تهران در رشته ادبیات عرب مشغول به تحصیل گردید.

ایشان در سال ۱۳۷۶ به شهر قم هجرت نمود و دروس حوزه را تا مقطع خارج فقه و اصول ادامه داد و مدرک سطح چهار حوزه علمیه قم (دکترای فقه و اصول) را اخذ نمود.

موفقیت وی در کسب مقام اوّل مسابقه جهانی کتاب رضوی بیروت در تاریخ ۸/۸/۸۸ مایه خوشحالی هموطنانش گردید و اوّلین بار بود که یک ایرانی توانست در این مسابقات، مقام اوّل را کسب نماید.

بازسازی مجموعه هشت کتاب از کتب رجالی شیعه از دیگر فعالیت‌های پژوهشی این استاد است که فهارس الشیعه نام دارد، این کتاب ارزشمند در اوّلین دوره جایزه شهاب، چهاردهمین دوره کتاب فصل و یازدهمین همایش حامیان نسخ خطی به رتبه برتر دست یافته است و در سال ۱۳۹۰ به عنوان اثر برگزیده سیزدهمین همایش کتاب سال حوزه انتخاب شد.

دکتر خدّامیان هرگز جوانان این مرز و بوم را فراموش نکرد و در کنار فعالیت‌های علمی، برای آنها نیز قلم زد. او تاکنون بیش از ۵۰ کتاب فارسی نوشته است که بیشتر آنها جوایز مهمی در جشنواره‌های مختلف کسب نموده است. قلم روان، بیان جذاب و همراه بودن با مستندات تاریخی - حدیثی از مهمترین ویژگی این آثار می‌باشد.

آثار فارسی ایشان با عنوان «مجموعه اندیشه سبز» به بیان زیبایی‌های مکتب شیعه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا جوانان را با آموزه‌های دینی بیشتر آشنا نماید. این مجموعه با همت انتشارات وثوق به زیور طبع آراسته گردیده است.

آشنایی با آثار نویسنده

این کتب با نام «اندیشه سبز» به همت نشر و ثوق چاپ شده است:

- * خداشناسی و دعا**
۱. خدای خوبی ها: خداشناسی.
 ۲. تا خدا راهی نیست: سخنان خدواند با پیامبران.
 ۳. یا من تماس یگیری: راه و روش دعا.
 ۴. یا من مهربان باش: دعا، مناجات با خدا.
 ۵. خدای قلب من: دعا، مناجات با خدا.
- * تاریخ زندگی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)**
۶. مهاجر بهشت: ماجرای سال آخر زندگی پیامبر.
 ۷. قصه معراج: معراج پیامبر.
 ۸. فریاد مهتاب: شهادت حضرت فاطمه (علیها السلام).
 ۹. روشنی مهتاب: شبیهات فاطمیه، جواب سوالات در مورد شهادت فاطمه (علیها السلام).
 ۱۰. سرزمین یاس: حضرت فاطمه (علیها السلام) و فدک.
 ۱۱. بانوی چشمه: زندگی حضرت خدیجه (علیها السلام).
 ۱۲. روی دست آسمان: غدیر خم.
 ۱۳. سکوت آفتاب: شهادت حضرت علی (علیه السلام).
 ۱۴. آرزوی سوم: ماجرای جنگ خندق.
 ۱۵. فانوس اول: حوادث بعد وفات پیامبر، اولین شهید ولایت (مالک بن نویره).
 ۱۶. در قصر تنهایی: حماسه صلح امام حسن (علیه السلام).
 ۱۷. هفت شهر عشق: امام حسین (علیه السلام) و کربلا.
 ۱۸. در اوج غربت: شهادت مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین (علیه السلام) در کوفه.
 ۱۹. سلام بر خورشید: شرح زیارت عاشورا.
 - زیارت امام حسین (علیه السلام)
 ۲۰. لذت دیدار ماه: زیارت امام رضا (علیه السلام).
 ۲۱. داستان ظهور: ظهور امام زمان (علیه السلام).
 ۲۲. حقیقت دوازدهم: اثبات ولادت امام زمان (علیه السلام).
- * امام شناسی**
۲۳. راهی به دریا: آشنایی با امام زمان (علیه السلام). شرح زیارت آل یاسین.
 ۲۴. گمگشته دل: امام زمان (علیه السلام) و فضیلت انتظار.
 ۲۵. آخرین عروس: نرجس، مادر امام زمان (علیه السلام).
- * تفسیر قرآن**
۲۶. نردبان آبی: شرح زیارت جامعه. امام هادی (علیه السلام).
 ۲۷. یک سید آسمان.
- * خانواده**
۲۸. همسر دوست داشتنی: زندگی زناشویی بهتر
 ۲۹. بهشت فراموش شده: احترام به پدر و مادر.
- * موضوعات دیگر**
۳۰. سمت سپیده: ارزش علم.
 ۳۱. در آغوش خدا: زیبایی مرگ.
 ۳۲. لطفاً لبخند بزنید: ارزش لبخند و شادابی
 ۳۳. آسمانی ترین عشق: فضیلت شیعه بودن.
 ۳۴. فقط به خاطر تو: آثار اخلاص در عمل.
 ۳۵. راز خوشنودی خدا: فضیلت کمک کردن به مردم.
 ۳۶. چرا باید فکر کنیم: ارزش فکر و اندیشه.
 ۳۷. به باغ خدا برویم: فضیلت حضور مسجد.
 ۳۸. راز شکر گزاری: شکر نعمت های خداوند.
 ۳۹. معجزه دست دادن: آثار دست دادن با یکدیگر.